

امواج تاریک فتنه، از هرسو پیر و ان مکتب اهل بیت رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله) را تهدید می‌کند و دستهای خونین جفاکاران، و معاذین، از آستین بذر آمده و قلوب محبین و مخلصین را جریحه دارد می‌نماید، و سرگان خون‌آشام با چهره تزویرو ریا بر عقائد نونهالان ساده لوح حمله ورشده، و مصممند ذخائر تشیع را بسود استعمار، یکجا بغارت ببرند! .

بدیهی است که سکوت در بر این دونان مزدور، نوعی خیانت به مکتب تشیع است، لهذا جمعی از علماء ارزنده، و مدافعين حقوق اهل بیت (علیهم السلام) بحکم وظیفه بنا خاسته و از طریق بیان و قلم، نقشه‌های شومشان را نقش برآب نموده . و خیانتها یشان را بر ملاساخته، و بنیان افکار پلیدشان را در هم کوبیده‌اند .

ما بعموم طبقات و قشرها توصیه می‌کنیم که کتابهای زیر را از کتابفروشی‌های معتبر تهیه نمایند، تا بر اغراض اینان واقف گردیده و بر مقاصد شومشان آشایه شده و جامعه را از این دیو سرقان بر حذردار نماید .

- ۱۸ - پاسخی به نامه استاد ۳ جلد
- ۱۹ - وسوس خناس
- ۲۰ - شفاعت
- ۲۱ - روحانیت
- ۲۲ - هرج و مر ج
- ۲۳ - اسلام و انسان معاصر
- ۲۴ - چرا غهای کوچک راهنمای
- ۲۵ - پیروزش یافته منجلاب
- ۲۶ - عقده دار از روحانیت شیعه
- ۲۷ - تناقض گوئی
- ۲۸ - قضایت مجتهدان
- ۲۹ - ستایشگر مارکسیسم
- ۳۰ - اجتهداد و برانگر
- ۳۱ - حسینیه ارشاد
- ۳۲ - التعریب بعد الهجره
- ۳۳ - افشاگری (در مورد یک جاسوس انگلیسی در بلاد اسلامی) (مستر همفر)
- ۳۴ - امامت در اسلام
- ۱ - کشف اسرار - نائب الامام خمینی
- ۲ - تشیع یا مکتب نهائی انسانها
- ۳ - اسلام شناسی در ترازوی علم و عقل
- ۴ - بررسی و نقد
- ۵ - غوغای نافر جام
- ۶ - پدر مادر پوزش می‌طلبیم
- ۷ - نبرد با شایعه سازی
- ۸ - اصول تشیع
- ۹ - سخنی چند با اعلیٰ شریعتی
- ۱۰ - ۱۰ - کترچه می‌گوید جلد اول
- ۱۱ - « « دوم
- ۱۲ - « « سوم
- ۱۳ - خردداوری کند
- ۱۴ - غراب معلم قابل در طول تاریخ
- ۱۵ - هجرت و مهاجران
- ۱۶ - دفاع از اسلام و روحانیت ۳ جلد
- ۱۷ - اشک و خون

مزدوران مکتب منفور و هابیت، و غرب زدگان مأمور باید بدانند مظاهر و مآثر مکتب مقدس تشیع، و نورانیت اسلام راستین قرآن عظیم پاپف عجوزه خاموش نمی‌گردد . و تلاش مذبوحانه آنان برای کندن بنیان عقائد مستدل شیعی، به سود استعمار و صهیونیسم نقش برآست . و تبلیغات سوء خود را در هر قالبی درآورند و همه بوقها و گرناهارا هم که در اختیار خود بگیرند، برایر منطلق کوبنده مرزبانان شیع همانند جوجه ضعیف در آب افتاده‌ای هستند که باید بخود بارزند تا جان دهند این رساییان، چون از عهده مقابله عاقلانه، و عالمانه بر نمی‌آینند لب بدناسزا، و تهمت گشوده، واژ هناتکی قلمی نیز دریغ ندارند . ولی باید بدانند که از این تجسسات نیز بیهودی نبرده، و همچون زید دوران کوتاه خود نهادنیشان سیری شده، و جز رسوانی، و بی‌آبروئی طرفی نخواهند بست . (نقل از کتاب : شفاعت)

نظر علی شریعتی راجع به استادان یهودی و مسیحی خودش

من گورویچ را تعظیم می کردم اما ماسینیون را تقدیس . لوفور ، سارتر ، گورویچ ، مفرم را برهی کردند ، عقلم را سیرمی کردند ، مر اندیشیدن می آموختند ژان کوکتو اعجاب مردی اندیخت و وهمواره شگفتی خیرهای به او می اندیشیدم .

این روح چند بعدی رنگارنگ ! اما ماسینیون را « دوست می داشتم » به او از ادت می ورزیدم روح راسیراب می کرد ، قلبم را پرمی کرد . ازاو بیش از علم و پیش از فکر خوب بودن را ، درسطح بسیار متعالی و مرتفعی ، می شناختم .
کویر صفحه ۸۴

خواندن گان با ملاحظه مطالعه و مراجعته به دفتر چاهای خودش درمی باید که گورویچ را گمونیست فراری و ماسینیون را مسیحی معرفی می کند .

نظر قرآن شریف راجع به دوستی با یهودی و مسیحی

« و من یتو لهم منکم فانه منهم سورة مائده آیه ۵۶
هر کس یهود و نصاری را دوست بدارد بدانید که او هم از ایشانست .
بنابر بر همان مساوات مؤیدالمؤید ، مؤید - هر کس هم که از شریعتی دفاع کند او هم از کفار می باشد
» يا ايها الذين آمنوا ان تعطموا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم فتنقلبو خاسرين «
ای اهل ایمان ! چنانچه از کفار پیروی کنید ، شما را به عقب رانده و به دوران زیانبار گذشته (جاھلیتان)
باز می گردید . (آیه ۱۴۹-آل عمران)

نفرین بر عناصری که سرمایه حیثیت و شرف و شخصیت فردی و اجتماعی خود را به برگت مکتب مقدس حضرت حسین علیه السلام بددست آوردند ولی با کمال گستاخی نمک خوردند و نمکدان شکستند .
آری نفرین بر آنان که مدعی پیروی قائد عظیم نوپستند ولی با فرامن ایشان هخالفت می گفند .

مگر شریعتمیم چه بود ؟

شریعتمیم ((پلی)) بود برای نقل و انتقال ((توطنه های استعمار فرهنگ)) از کشورهای بیکانه به کشور عربی و محبوبیان ایران .
ادعای پامی ، انکار روز قیامت ، انکار استعمار رهبری پروردگار بر انسان روی زمین ، تبلیغ رنداهه از مارکسیسم ، ایجاد فاصله عیق بین روحانی - دانشجو ، سینگری ، وها بیگری ، اسلام منهای آخوند ، تحریف غلط انداز مجنوای انسان ساز قرآن - حدیث ، وبالاخره : تبلیغ از هر چه ((بد)) است حتی اگر هم با یکدیگر ((متناقض)) باشند ، و سرد با هر چه ((خوب)) است حتی اگر هم با یکدیگر ((پیوندی)) نداشته باشند .

بسم الله الرحمن الرحيم

« اگر چنانچه کسی بیک نفر از مراجع اسلام : شطر کلمه‌ای اهانت کند ، بین او و خدای تبارک و تعالیٰ ، ولایت منقطع می‌شود! کوچک فرض می‌کنید فحش دادن به مراجع بزرگ مارا؟ کوچک فرض می‌کنید؟! »

نائب الامام خمینی : نطق روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۳

« همه علماء ، جان نثار اسلام‌مند نبی شود نباشد ، همه هستند . الحمد لله همه دست بهم داده‌اند ، چه آنکه صلاح دیده که بمالایمت کار را انجام دهد و چه آنکه صلاح دیده باحدت کار را انجام بددهد همه اینها از ما هستند . »

« ما همه یک هستیم یک . افراد زیادند لکن آراء واحد است . یک هستیم . همه یک هستیم کسی گمان نکند که با پیش‌بینی یک چیز‌های مسموم می‌تواند بین علماء اسلامی جداً بیندازد این مطلب هیچ امکان‌ندارد ما همه باهم هستیم . »

« ما برای ذب از اسلام و ذب از ایران و ذب از استقلال ایران و ذب از کیان اسلام . . . همه یک هستیم یک حلقه‌می‌داریم گمان نشود (بچه‌ها خیال نکنند) که خدای نخواسته اختلافی در کارهست . »

نائب الامام خمینی : نطق روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۳

« علماء ؛ از صدر اسلام تا امروز ؛ که از خودشان چیزی ندارند . اینها قوانین اسلام و قوانین وحی را بمقدم ابلاغ می‌کنند . ابلاغ قوانین ایزی ارجاع ام؟! »

نائب الامام خمینی : نطق روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۳

و اعلام می‌کنم که اهانت به مراجع معظم و تمثال شریف آنان حرام و مخالف رضای خدا است .

و اعلام می‌کنم که اگر کسی این عمل شنیع را بکند ازملت نیست . و از عمال اجابت و دستگاه جبار است باید عموم ملت هشیار باشد .

۱۳۹۹ / ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۵۷ « روح الله الموسوي الخميني / صفر / ۱۳۹۹

تبصره

۱ - اگر عناصر ضد انقلاب که با احیاء اسم شریعتی و کتابیها و افکارش اختلافات را دارند هی زند این فتاوی را تکذیب کنند خواهشمند است از خود مراجع نهاد کس دیگر مطلب را تحقیق کنند .

۲ - ممکن است اختلاف اندازه‌های بگویند فعلا وقت این حرفا نیست ولی باید گفت این حرفا بطریق‌داران شریعتی بگوئید که فعلا وقت این حرفا نیست طبق فرمایش مولا امیر المؤمنین علی (ع) « لو سکت من لا یعلم سقط الاختلاف » بدانید منشأ اختلاف کسانی هستند که اسم و کتابیها و افکار ضد مذهبی را ترویج و بعقاید شیعه هجوم می‌کنند نه کسانی که دفاع می‌کنند .

۳ - ۵۵ پانزده سال پیش که نهضت علماء شیعه نزدیک بود ریشه طاغوت را بکند و حکومت مذهبی را مستقر سازند که این مرد با مهارت تمام و قیافه مجاهده اند افکار مردم را با مسائل اختلافی مشغول و سیل کنند و خشم مردم را از طرف طاغوت بسوی مذهب و علمای مذهب منصرف کرد تا اینکه باعت شکست نهضت شد تا اینکه خدا این مانع را برداشت و در لندن سکته کرد و نهضت علمای شیعه اوچ گرفت ولی باز هم طرفداران او با اختلاف اندازی باعث رکود نهضت بودند و فعلا مانع رسیدن به نتایج مذهبی آن هستند .

بسمه تعالی

ما از خداوند قادر و قوای می خواهیم که به دانشجویان مسلمان پیرو خط نائب الامام خمینی مستقر در لانه جاسوسی ، توفیق و فکری که رضای خدای متعال در آن هست مرحمت نماید .

تا این دانشجویان پیرو خط نائب الامام خمینی بکمال خدا ، و در راه خدا سندھائی که نمایانگر غربی بودن سران نهضت آزادی ایران بود و خواستند افشاکنند .

ولی آمریکای پلید مانع شد آنها از هیچ نظر نسند و نه تنها این افراد را بلکه تمام سندھائی که از آنجا بدست آمده افشاکنند بعلت اینکه دانشجویان مسلمان پیرو خط نائب الامام خمینی باید بداتند که افشا نکردن این اسناد در درجه اول خیانت به اسلام و در درجه دوم خیانت به ملت مسلمان مستضعف جهان و در درجه سوم خیانت به استقلال کشورهای باشد چون افشاکنند این اسناد از روی ترس یا علی‌دیگر نمایانگر این موضوع است که دوباره آمریکای پلید بر ما مسلط گردد .

فرقی نمیکند اگر لانه جاسوسی شوروی یا دیگر لانه جاسوسی‌ها هم گرفته شده بود اسناد دیگری که مبتنی بر قضایای دیگری از سران احزاب و گروه‌ها بود نمایان می‌شد .

بازم از خدای بزرگ می‌خواهیم که به این دانشجویان مسلمان پیرو خط نائب الامام خمینی توفیق عنایت کند تا اینها ، این اسناد بدست آمده را افشاکنند تا این افرادی که در رأس مانند (کارگردان سابق حسینیه ارشاد) وزیر ارشاد ملی کنونی جناب آقای میناچی بر گردد این بندهای مستضعف خدا در این مملکت سوارمی شوند ، نشوند و تا اینکه هر مکتبی از شرق و غرب دارند به اسم اسلام بوسیله رادیو و تلویزیون و دیگر وسیله‌های این وسیله‌ها پول نفت این ملت می‌باشد به این ملت بیجاره مسلمان تحمیل می‌کنند نتوانند تحمیل کنند .
اللهم انا نشووا اليك فقد نبينا . . .

توجه

آقای عالی تهرانی در آن نامه‌ای که در روز پنجشنبه ۷ تیر ماه ۱۳۵۸ در روزنامه جمهوری اسلامی برای ما می‌نویسد :

و خودش را دل‌و زحقیقی معرفی می‌کند این بیدین ضد خدای تنهاد کتر علی شریعتی خبیث را برای ما قلمداد می‌کند و برای این ذی‌سنده ضدشیعه چون خودش هم، هم ضد شیعه می‌باشد و هم از امپریالیسم که ایجاد و خودش یک جاسوس استعماری در بیان شیعه می‌باشد .

تمام علمائی را که حضرت آیت‌الله العظمی خمینی در سخنرانی (چهارشنبه ۲۰ ذی‌الحجہ ۱۳۸۳ / ۲۶-۱۳۴۳) می‌فرماید من دست همه مراجع را می‌برم و هر کس به آنها جارت کند مایبن او و خدای تبارک و تعالی و لایت منقطع می‌شود .

و هر کس به این مراجع تقلید شطر کلمه‌ای اهانت کند نه تنها مخالف رضای خداست بلکه از ملت نیست و از عمل احباب و دستگاه جبار است هم اکنون می‌بینیم این جاسوس بی‌ساد دنیا طلب (که از او چیزهایی دارم که از ذکر آنها چون او یک روحانی نما می‌باشد شرم دارم) تمام علمای شیعه رانجنس معرفی می‌کند تا بتواند دوباره آمریکای پلید را بر ما مسلط کند .

در آن مقاله اشاره کرده‌اند که ما حضرت آیت‌الله العظی خمینی را قائم به مقام مر جعیت نمی‌دانستیم .

او لا باید بشما بگویم که ای جیوه خوار و ای آلت دست جوانهای هرزه آیا ما ایشان را شایسته مقام مر جعیت نمی‌دانستیم یا اینکه ایشان شمارا از درس از قسم بیرون کرد و شما به مشهد رفتید و بدرس هر حرم میلانی اعلی‌الله مقامه الشریف حاضر می‌شدید که او هم شمارا از درس بیرون کرد و ثانیاً آیا ما رهبر انقلاب را شایسته مقام مر جعیت نمی‌دانستیم مگر همه اینهایی که فتوای بر علیه عالی شریعتی داده‌اند .

آنها نیستند که در ۱۵ خرداد مر جعیت ایشان را امضاء کرده‌اند ؟ چگونه شما می‌گویید مر جعیت ایشان را قبول نداشتند ؟

بسم الله الرحمن الرحيم

اين صفحه اول کشف اسرار می باشد از خواتند گان تقاضا داريم که اين صفحه
را با تمام جسارت ها و تهمت ها که على شريعتی و مریدان وی
به روحانيت ميزند دقیقاً مطالعه و روی آن فکر کنند تا
سيستند اوهم همانند کسر وی خبیث هامور بوده

تا اسلام را ازین بيرد

(الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله أجمعين ولعنة الله على اعدائهم إلى يوم الدين)
در این روزها که آتش فتنه جهان افزار گرفته و دودتاري يك آن بچشم تسام جهانیان رفته و تمام ملل عالم پنکر
آشند که خود و کشور خود را از این دریای بی بیان آتش بکناری کشانند و از این فتنه جنگ هر گبار یک سو
شوند و از روی ضرورت و ناجاری کشورهای اسلامی نیز باختی و بدینختی هائی موافجه شدند و در زیاراتی این
جنگ جهانگیر شرکت کردند گرچه از سودهای آن بیش ندارند خوب بود افراد این کشور نیز پنکر سعادت خود
و برادران خود باشند و یک دل و یک آوازه در چاره جوئی این سیاه روزی ها بکوشند یاد است که از فتنه آنها
وفدانگیری ها در این موقع پاره که خودداری کنند و خودشان به بدینختی خود کمک نکنند مع الاسف می بینیم
که در این روزها بی خودانی چند پیدا شده که با تمام قوای این و های خود را صرف در فدائیتگیری و فتنه جوئی و
ترقی کلنه و بی هم زدن اساس جمعیت می کنند ! امر و ز که دنیا ای آتش خیز بناجاری دست خود را طرف دین و
روحانیت دراز کرده و خواهد کرد و از تبر و های معنوی استعداد می کند بعضی از نویسندها ماحصله بدین و
دینداری و روحانیت را بر خود لازم دانسته بدون آنکه خودشان نیز مقصودی جز فتنه انتگیری داشته باشند بالطبع های
نه گین خود اور افقی راسیاه کرده بین توده پخش کرده اند غالباً از آنکه ست کردن مردمها امر و ز بدهیں و دینداری
و روحانیت از بزرگترین جنایات است که برای فنای کشورهای اسلامی همچوی بیش از آن کمک کاری نمی کند
مانیز که بنانداشتیم هیچ گاه در پیر امون این مسائل پنکر دین چون حق کشی های فر او ای در این کتاب و کتابچه ها
دیدیم بناجار راه خطاهای و بیداد گری های آنها مختصری روشن کردیم تا خوانندگان آن را می سرچشمه فدا و
بدینختی کشور و ملت را بیستند از کجاست شاید کسانی بیدار شوند در فکر چاره بر آیند و بخوبی پدانند قلم های
که برضد روحانیت پکاری رود کمک کاری بنابود کردن کشور و اساس استقلال آنست ، خوانندگان گفتار راجع
به روحانی و حکومت را که در قسمت های اخیر این کتاب است بخوانند و با بی طرفی کامل در میزان عقل
بسیجند تا مطلب روش شود .

این باز صفحه سوم کشف اسرار می‌باشد از خوانندگان تقاضا

دلایل دقیقاً مطالعه نمایند

یک خواهش م مشروع از خوانندگان محترم

بطوری که می‌دانیم بسیار شود که نویسنده و سخنرانی بوسیله کلمات شیرین با نعمت پیش مردمان ساده اوح خوش باور و تماشی هم فرد اشخاصی گنجگاه با دلیل منطقی و برهان عقلی اشتباه می‌شود چنان‌افووس سلاطه عوام کوی گفتارهای شیرین با مرآه یک سخنران ماهر و کلمات شنیدگ فریبندی یک مقاله نویس زبردست را خورد با آن وح خوش باوری از حقیقت و غریزه انسانی خود یکسره چشم پوشی کند و سخن راه راه چه بیرون از حقیقت باشد بمحض عبارتهای لطیف و مثال‌های شیرین بی دلیل و منطبق باور کند و از این راه زبانهای بسیار بپرسد از این جهت شیخ الرئیس فیلسوف بزرگ اسلامی گفتگه کسانی که چیزی را بی دلیل باور می‌کنند از جلیعت انسانی بپرسون رفته اند از این روال از خوانندگان محترم تقاضا داریم که مقالات بازروز یورعصری را کنار گذاشتند و ناسراها و هر زاده گویی های این مقالات به یکسو اند اخنته و با حس گنجگاوی که خدا انسان داده بگفتارهای دو و از هیچ‌یک یک سخن گرچه کوچک باشد بی دلیل درست قبول نکنند تا گفتار حق از باطل جدا شود و دروغ پردازی‌ها آفتابی گردد.

تقاضای دیگر آنست که از نظر غرض آسوده و دوستی و دشمنی بر کنارشوند و بادیده انصاف حق جو با کمال گنجگاوی گفتارهای دو و اینگرند زیرا که نظر غرض آسوده انسان را از راه حقیقت بپرسون می‌پرسد و دشمنی پرده بر روی حقایق می‌کشد.

و چون از گفتار این نویسندهان معلوم شود که خدا و قرآن را قبول دارند و از حکم خرد نیز سوچیج نیستند و پیش چیز دیگر خاضع نمی‌باشند مانیز با آنها از روی حکم خرد و آیات قرآن وارد بحث می‌شویم و حل شبهات شان را از روی این دو اصل مسلم بین هردو می‌نماییم تا پس از این ثابت و روشن کنیم که اگر قرآن و خدا از این داشتند فاچار باید برای همه شیوه پیش احادیث هم خاضع باشند.

و ما بخوانندگان محترم و عده می‌دهیم که موبموحر فهای آنان را ثابت کنیم از حکم عقل و قرآن بپرسون و جز نقسان خرد باتفاقه انتکیزی چیز دیگر در این هیان نیست.

حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در صفحه ۵ کشف اسرار

چنین سخن ایراد می‌فرمایند

(یک اشتباه مضحك بی اساس)

این ماجرا جویان عقب افتادن خودشان را ازمل دنیا و بازماندن از تمدن امروزه ازو پارا عقیده یددین و پیشوایان آن حساب می‌کنند و افسار گسیختگی و ترقی مراسم دینی را اسباب تعالی و تمدن می‌شمارند با صرف نظر از آنکه در اروپا که اینها آرزوی آنرا می‌برند تمدن بمعنی خود حقیقت ندارد و مهارت خواهیم وارد این مبحث شویم که از مرور دعوهای خارج است تاروشن شود که کلمه توخش به ازو پارا نزد یکتر است از تمدن، ولی مطلعین می‌دانند که ازو پارا از دین و مراسم دینی و احترام از حضرت عیسی مسیح و مادرش مریم بپرسون فیست تا جایی که عیسی را که بنده هقرب خدا است پس خدا خوانند و قرآن آنها را در عالم رسوا کرده ماهمه دیده بیم که در روزنامه‌های ایران نقل از روزنامه‌های ازو پارا مراسم دعای بزرگان ازو پارا منتشر کردد و مطلعین می‌گذوینند بزرگان فعلی انگلستان و آمریکا در هر صبح‌گاه بپرسیم دعایم می‌کنند همان دعائی که نویسندهان افسار گسیخته مالزدگی استهزا و توهین بآن نظر می‌کنند.

(کشف اسرار صفحه ۵ - ۶)

نظر علی شریعتی در مورد اسلام منهای آخوند

«اگرتو خوشبختانه، همانطور که دکتر مصدق تر ((افتخار منهای آخوند)) را طرح کرد تا استقلال شهبت را می بزی کند و آن را از پند اسارت و احتیاج به کمای استعماری سابق آزاد سازد، تر ((اسلام منهای آخوند)) در جامعه حقوق پاشه است» با مخاطبی‌ای آشنا خود اپرسی را آخوندیسم به این‌حال کشاند. مخاطبی‌ای آشنا شماره ۲۱ ص ۱۶۲
((اسلام فردا، دیگر اسلام ملا مخواهد بود.)) با مخاطبی‌ای آشنا : ص ۱۴۱
«از روحانیت چشم داشتن نوع ساده لوحی است که بزرگ مقدمان عوام است و میدان بازاری.» با مخاطبی‌ای آشنا : ص ۱۱۲

نظر حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در مورد اسلام منهای آخوند

«اگر شما بخواهید خودتان باشید منهای آخوند ترا روز قیامت هم نیز بار دیگران هستید، اینها قدرت لا بی‌حال است.»
«نیاید بعض اینها که علاقه به اسلام دارند، بعض از اینها خدمت‌های علمی اسلام و آخوند جامعت را نمایند بگیرند و گینند که ما اسلام منهای آخوند، نی شود آنها این، اسلام و آخوند این‌طور توهم هستند. اسلام منهای آخوند اسلام نسود. به تصریح آخوند بود، یکی از آخوند های بزرگ پیغمبر، رأس همه علما پیغمبر، حضرت مصطفی صادق (ع) یکی از علمای اسلام است و فقهای اسلام است، رأس فقهای اسلام آخوند نی خواهیم حرف شد.» نائب الامام خمینی در وزیر شنبه ۱۲ اذیکت ۱۳۹۷ اصری «و شما بدانید منهای آخوند هیچ کاری از شما بیش نی رو شما در هر شهری که بزید من بینند که آنکه شهید در دست است یعنی توانند شهرو را بینند، باز یک ملاست شما تجربه کنید رفع این تعطیلات، تجربه کنید بینند که یک ارجمندی‌ها و اوتیست بازار را بینند، آنی که بازار را بینند و بحکم او بازار را می بینند. آن عبارت از ملاعه است که عرضی کند و اینکه ملاها را بینند بود برای اینها است که اینها دارند برای خد احروف می زند و عال اسلام هستند و مردم علاقه به اسلام دارند. این مطلب را کارگرداند، که منهای آخوند نسود، آنها شما بخواهید مملکتان را اصلاح کنید منهای آخوند اصلاح بود ار نیست.» نائب الامام خمینی در وزیر شنبه ۱۳۹۹ اصری «ندکرات موق برای کوتاه کردن دست عال اجاتی است از حرم محترم روحانیت که مخواهند تا نهادهای ملاده خود و با تراسل‌های روحانیت اسلام را که معارض منافع اریابان هستند بگیرند. ملت باید توجه به این‌طور فکر استعماری و حمله "معزمه" غربی داشته باشد و ملت شرف موظف است این اقتدار خائن را در صوف خود راه ندهد.» نائب الامام خمینی - اطلاعات: خرد اد ۱۳۵۸
«به بینندی‌جه جمیعت‌های هستند که روحانیت‌ها را مخواهند کار بگردانند همان‌طور که در صدر مشروطیت روحانی کار و اکرد و اینها زند و گشتند. تورور کردند. همان نقصه است. آنچه سید علی‌الله به بینند را کشند و سر ملت را از آن راهی کنند بگویند اندند به سیر دیگر الان همان نقصه است که مطهوری را می کشند. فردا هم شاید من را بیس فردا هم یک دیگروا - سیر غیر سیر مسیر ما ابیت. سیر ما اسلام است و اسلام منهای خواهیم» نائب الامام خمینی در دیدار با فرهنگیان اهواز - کیهان ۵ خرداد ۱۳۵۸
«آخوندی‌ها اسلام روحانیت‌ها اسلام در هم مدفه‌اند. آنکه به روحانیت‌ها بطرک نه به یک آخوند نه با من همراه یکی‌دیمانی ندارد. آنکه با عنوان روحانیت‌ها آخوند مخالف است آن دشن شما است. از ازادی را می‌کنند است برای شما تأمین کنند. استقلال هم می‌کنند است برای شما تأمین کنند اما استقلال که در آن امام زمان نیست، ازادی که در آن قرآن نیست، ازادی که در آن پیغمبر اسلام نیست ملت ما خوشن را برای دین داده برای آزادی و خدا داده.»

نائب الامام خمینی در دیدار با فرهنگیان اهواز - کیهان : ۵ خرداد ۱۳۵۸

«اگر گفتن اسلام منهای روحانیت بدانید با اسلام موافق نیستند. اینها برای گول زدن بگیرند. اینها برای اینکه این دز را بشکنند دنالش اسلام رفته است دیگر محتاج به جیزی نیست. اسلام کسی کنند اسلام ندارد این اسلام نیست، اسلام که در کتاب نیست. کتابش را هم فردا از بین می بزند. آن کسی که روحانیت را مخواهاد از بین ببرد کتاب روحانیت را هم من خواهد بزند و رور. اگر روحانیت وقت شام کتب دینی ما بین را بخته می‌شود، آتش زده می‌شود.»

نائب الامام خمینی در دیدار با فرهنگیان اهواز - کیهان : ۵ خرداد ۱۳۵۸
«ما بیزار هستیم از اینکه بگویند اسلام منهای روحانیت اسلام منهای روحانیت خیانت است. مخواهند اسلام را از بین بزند، اول روحانیت را می‌بینند، اول می‌گویند اسلام را می‌خواهیم روحانیت را نیم‌خواهیم روحانیت است.» شود اسلام در کارنیست، اسلام بپوشش روحانیت به این‌جا رسوده است. بیدار باشید. آقایان بیدار باشید. خانه‌ها بیدار باشید... تر اسلام منهای روحانیت یعنی لا اسلام. درجه اولش اینست بعد هم کتاب‌های روحانیت را بین بزند، بیدار باشید. من توجه شما را باین خطر عظم، حطف می‌کنم. بخوبی بزرگ است.»

نائب الامام خمینی در دیدار با فرهنگیان اهواز - کیهان : ۵ خرداد ۱۳۵۸
«لیکن بگویند هیچ وقت اسلام بگویند سهفت منهای اسلام همان‌طوری که گفته اسلام منهای روحانیت، حالا هم بگویند سهفت منهای اسلام»

«من نصیحت می‌کنم که سیر خودتان را از اسلام جدا نکنید. سیر خودتان را از روحانیت جدا نکنید.»
«این قدرت روحانیت را که قدرت الهی است از دست نمی‌هدد، اگر این قدرت از دست بزود شما هیچ خواهد بود. این قدرت روحانی است که مردم را به کوچه‌ها می‌کشد. قدرت اسلام است که از حلقوی روحانیت بیرون می‌آید. اینها را نشکنید.»
نائب الامام خمینی بمناسبت بزرگ اشت ۱۵ خرداد - کیهان : ۱۶ خرداد ۱۳۵۸

سخنرانی فائیب الامام خمینی در مورد عزاداری

اگر بیانات رهبر معظم انقلاب سانسور نشود اگر افکار ملت و سیله همدردانه همانند شده تحریف نگردد، اگر تحریکات ضد تشیع ماجرای جویان هارکدار بگذارد. با این سخنرانی، باید عرق شرمندگی از پیشانی آفانکه با عظیم ترین و مؤثر ترین شعائر اسلامی و شیعی باجهerde پیروی از مکتب حضرت حسین - علیه السلام متظاهر ندبر گونهای تاریکشان بزید. و از این شدت عجالات باهظاً و شعائر امام لاهی در برابر ملت مسلمان شرمند شوند، ولی افسوس . . .

سانسور نشود - و اگر سانسور بشود ممکنست من کار دیگری بکنم.

همین معنا که یک جمعیت کم در مقابل یک امیر اطوروی بزرگ استاد - دستور است - آن دستور امام حسین "ع" برای همه دستور است باینکه هر روز در هر جایی همان نهضتو برگاه را آدامه دهد. امام حسین باعده کم هد چیز را فدای اسلام کرد، مقابل یک امیر اطوروی بزرگ استاد و "نه" گفت. هر روز باید در هرجا این "نه" محفوظ بماند و این مجالسی که هست دنیال همین است که "نه" را محفوظ کند.

بچهها و جوانهای ما خیال نکنند که مسئله، مسئله ملت، گریه است. اینرا دیگران بعنوان القاء کرده اند که بگویند ملتکریه آنها همین گریه همیستند. گریه ایست که گریه برمظلوم است. فریاد مقابل ظالم است. دستهای شعائر مذهبی ما و شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازی تنان ندهند این علمفرساهای توجه تدارند جو اینهای ما - گول بازی این بزرگها را تخریب - اینهای خانتکارند - اینهایی که تروریک می کنند بدشما: ملت گریه - ملت گریه اینها خبات می کنند. بزرگها و ارباب هاشان از این گریه ها می ترسند - سلطیش ایست که رضاخان آمد همه اینها را برد از بین بود و مامور بود. دلیلش ایست که رضاخان آخرش که رفت رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیو دهلي اعلام کرد ما اورا آوردهيم و دوباره بردیم درست هم می گرفتند. آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام و یکی از راههایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند. جوانهای ما خیال نکنند که دارتندیک خدمتی می کنند می بروند توی مجلس، اگر صحبت عزا بشود، می گویند نهاین را نگو - غلط است این حرف -

های نامریبو طی کمیزند و از هر طرف حمله کردن باشند اسلام را از بین ببرند و از هر طرف حمله کردن باشند این نهضت را از بین ببرند - گاهی رو حانی اش را از بین ببرند - گاهی же... این رو حانیون بودند که شمار آزاد گردند حالا قلمهایتان بضد رو حانیون قلمفرسانی می کنند. شما کجا بودید آنوقتی که رو حانیون حسین می رفتد آنوقتی که بای رو حانی مارا اره کردن، شما کجا بودید - آنوقتی که بار و غنی با رو حانیون مارا سوزانند شما کجا بودید - حالا سردر آوردهيد و حرف میزند و به ولایت فقهی اشکال می گیرید و مجلس را می خواهید منحل بکنند - مگر شما قدرت این را دارید - من توی دهستان میزنم دست برداشید از این حرفها - از این مزخرفات وارد بشوید در جرگه اسلام - وارد بشوید در جرگه مسلمین - بگذارید که این مملکت، سرو سامان بیدا بکند - دمکرات در کردستان اخلاق می کند - آقایان در تهران - بس است دیگر - که باید کرد - خداوند همه شمارا انشاع الله مoid و منصور بدارد و نهضت را بپیش ببرید از هیچ چیز تقریبد. هیچ خوفی بخودتان راه ندهید تا انتکال بمخدا دارید تا شما اسلام را سرمشق خودتان قرار می دهید - کسی نمی تواند بشماعتی کند، خداوند همتان را انشاع الله حفظ کند. موفق باشید.

حالابی که شما می بینید اینجا ما نشستایم سید الشهداء نگه داشته است. سید الشهداء سلاماً. علیه تمام چیز خودش را همه جوانان خودش را همه مال و میال هر چه بود هر چه داشت مال و میال که نداشت هر چه داشت جوانان داشت اصحاب داشت در راه خدا داد و بسراي تقویت اسلام مخالفت با ظلم قیام کرد. مخالف با امیر اطوروی آن روز که از امیر اطورویهای اینجا زیادتر بود.

قیام کرد در مقابل او با یک عده قلیل در عین حالی که شیبد شد غلبه کرد - غلبه کرد براین دستگاه ظلم و شکست داد آنها را - ما که دنیاله او هستیم و مجالس عزا از آنوقت به امر حضرت صادق سلام الله علیه و به سفارش ائمه الہذا علیه السلام مایا می کنیم این مجالس عزا را - ما همان مسئله را داریم میگوئیم - مقابل ظلم است - مقابل ظلم ستم کاران ، ما زنده نگهداشتیم - خطبای مازنده نگهداشتند قضیه کریلا را زنده نگهداشتند ، قضیه مقابل یک دسته کوچک، اما با ایمان بزرگ در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ - گریه کردن بر شیبد زنده نگهداشتند نهضت است. اینکه در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند یا به صورت گریه دار خودش را بگند این جایش بهشت است، این برای ایست که حتی آنکه صورتش را بحالت حزن - صورت گریه دار بخودش میدهد. این نهضت را دادار حفظ می کند - نهضت امام حسین سلام الله علیه را حفظ می کند - ملت ما را این مجالس تمام حفظ کرده بی خود نبود که رضاخان - مامورین سواواک رضاخان تمام مجالس عزا را قدفن گردند. این همینطوری نبود - رضاخان چنین نبود که اصلاً مخالف با این مسائل باشد - رضاخان مامور بودباشند که آنها که کارشناس بودند و آنها که ملتفت بودند مسائل را - دشمنان ما که مطالعه کرده بودند در حال ملت ها و مطالعه کرده بودند در حال ملتهبیم - دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این نوحسرانی های برمظلوم هست و آنها گریه ظالم هست، آنها نمیتوانند بر مندی مقاصد خودشان مزمان رضاخان قدفن گردند، بطوریکه تمام مجالس در ایران قدفن شد و کارهای خودشان را انجام یافتند. دست اهل منبر و دست علم را بستند و نگذاشتند که اینها تبلیغات خودشان را بگشند و آنها تبلیغات را از آنطرف شروع گردند و ما را به عق راندند و تمام مخازن مارا به چیاول بردند. در زمان محمد رضا هم بهمین معنا - متشی پیش می دیگر - نه یا آنطور مریزند - بدجوری دیگر این طایفه را می خواستند کنار بگذارند. حالا هم همانها - متشی جوانهای ما را بازی می بندند - همان مسئله است - همان مسئله زمان رضاخان است که مجالس را او قدفن گرد - حالایک دسته ای آمده اند می گویند که نه دیگر روضه نخوانند. نمی فهمند اینها که روضه یعنی چه؟ اینها ماهیت این عزاداری را نمی دانند چیست؟ نمی دانند که این نهضت امام حسین آمده تا اینجا این نهضت را درست کرده - یعنی این تابع یک شعاعی است از آن نهضت نمی دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین زنده نگهداشتند نهضت زنده نگهداشتند

سید الشهداء (علیه السلام) در میان جمعی از دو حائیون غرب تهران

سید الشهداء علیه السلام بداد اسلام رسید .

سید الشهداء علیه السلام اسلام را نجات داد .

روضه امام حسین علیه السلام برای حفظ مکتب امام حسین علیه السلام است .

آن کسانی که می گویند روضه سید الشهداء علیه السلام نخوان اینها اصلاً نمی فهمند .

مکتب سید الشهداء علیه السلام چه بوده است نمی دانند یعنی چه ؟

این گریه ها حفظ کرده است آن ۱۴۰۰ سال است که با این منبرها و با این روضه ها و مصیبیت ها ما را حفظ کرده اند .

حرف سید الشهداء حرف روز است و حرف روز را سید الشهداء آورده است به ماما داده است ، هر مکتبی هیاهومی خواهد باید پایش سینه بزنند .

اطلاعات ، شماره : ۱۵۹۰۱

چهارشنبه ، ۲۰ تیر ۱۳۵۸



رهبر انقلاب نائب امام خمینی ، در حال گریه و عزاداری بر سalar شهید ان

سید الشهداء علیه السلام ، در پاریس ، عاشورای سال ۱۳۹۹

نفرین بر عناصری که سرمایه حیثیت و شرف و شخصیت فردی و اجتماعی خود را به برگت مکتب مقدم
حضرت حسین علیه السلام بدهست آورده است ولی با کمال گستاخی نمک خورده است و نمکدان شکستند.
آری نفرین بر آنان که مدعا پیروی قالد عظیم نهضتند ولی با فراموش ایشان مخالفت می کنند.

نظر علی شریعتی در مورد گریه

منصب فردا، دیگر منصب جهل و جور و تعصّب و عوام و کهنگی و تلقین و عادت و تکرار و سخریه و
ضعف و ذات نیست. با مخاطبها آشنا صفحه ۱۴۱

نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب الامام خمینی در مورد گریه

سخنرانی نائب الامام خمینی در مورد عزاداری سید الشهداء علیه السلام در میان جمعی از عاظقم

کیم. یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است قضیه سید الشهداء است. سید الشهداء سلام الله علیه منصب را بیمه کرد. با عمل خودش اسلام را بیمه کرد. نگه داشت. و ان نهضتی که آن بزرگوار کرد و شکست داد و او کشته شد. در جنگ شکست داد بر اموی و بر دیگران. آن نهضت باید حفظ بشود. اگر ما بخواهیم مملکمان یک مملکت مستقل باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز را حفظ کیم. این مجالسی که در طول تاریخ بر پا بوده است و با دستور ائمه علیهم السلام این مجالس بوده است. خیال نکنند بعضی از این جوانهای ما که این مجالس، مجالسی بوده است حالا مباید گریه دیگر نکیم. این یک اشتباه است که می‌کنند.



حضرت باقر سلام الله علیه وقتی که می‌خواستند فوت کنند و صیت کردن ۱۰ سال ظاهرا که در منا اجیر کنند کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه است.

حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ می‌خواهد چه کند گریه را. آنوقت هم در منا چرا. ایام حج منا. این همین نقطه اساسی سیاسی، روانی، انسانی است که ۱۰ سال در آنجا گریه کنند. که خوب مردم می‌باشد می‌گویند که چه خبر است و چیست؟ می‌گویند او اینطور بوده. این توجه میدهد نفوس مردم را به این مکتب و بقاء مصالک اسلامی، مصالک شیعی باید بیینیم چه بوده است. ما آن رمز را باید حفظش

دھبرانقلاب اسلامی ایران نائب الامام خمینی

در سیاست سوکواری حسینی، عاشورای ۱۳۹۹، پاریس، نوبل لو شاتو

..... حق پیروز است. حق پیروز است

منتهم ما رمز پیروزی را باید پیدا بکیم که رمز پیروزی ماجی بوده است و رمز بقای شیعه در این طول زمان، از زمان امیر المؤمنین سلام الله علیک تا حالا - در زمانهایی که شیعه جمعیتش کم بوده است. ناچیز بوده است. حالا العدایه زیاد است، اما آنوقت کم بوده، نه اینکه زیاد در مقابل دیگران.



اطلاعات

چهارشنبه ۳۰ آبان ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۰۸

جوانها دادیم. کربلا جوانها داده. ما این را باید حفظ کنیم. این نمیشود اینطور باشد شما خیال بکنید که گریه است خیر گریه نیست. یک مسئله سیاسی، روانی، اجتماعی است.... پس این حضرت سیدالشہدا چه احتیاج به گریه دارد؟ انه اینقدر اصرار کردند باینکه مجمع داشته باشید، گریه بکنید، چه بکنید. برای اینکه این حفظ می کند این شیعیان منصب ما را. این دستجاتی که در ایام عاشورا راه می افتد خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راه پیمانی. راهپیمانی است خودش اما راهپیمانی باید مهد ای سیاستی - همانطوری که سابق بود بلکه بالاتر - همان سینه زنی، همان نوحه خوانی، همانها. همانها رمز پیروزی ما هست. در سرتاسر کشور مجلس روپه باشد همه روپه بخواهند و همه گریه بکنند. لز این هماهنگ تر چی؟ شما در کجا سراغ دارید که یک ملیتی اینطور هماهنگ بشود کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سیدالشہدا، هماهنگ کرده. در تمام کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی در روز عاشورا و تاسوعا و هشتم و چندم. این دستجات با آن عظمت. البته جهات غیر شرعی اش باید حساب بشود باید جهات شرعی محفوظ بماند. این دستجات با آن عظمت با آن محظوظ همه جا. کی می تواند یک چنین اجتماعی درست کند؟ در کجای عالم شما سراغ دارید که این مردم اینطور هماهنگ باشند. بروید هندوستان همین بساط بروید پاکستان همین بساط بروید اندونزی همین بساط بروید عراق همین بساط بروید افغانستان هر جا بروید همین بساط کی اینها راهماهنگ کرده؟ این هماهنگی را از دست ندهید. این جوانها را اغفال می کنند. این جوانها صاف دل مل عزیز مل صاف دل ما توجه به شیطنت اینها که تزریق می کنند ندارند. آنها دیگران تزریقشان می کنند اینها هم تزریق به اینها می کنند یک وقت بود که این دست تاهاک اجنبی امد و بین

روحانیون و قشرهای جوان را جدا کرد لز هم. این اساس داشت. اینطور نبود که همینطور بی خود بی خود باشد. هی تزریق کردند بعدها - به قدر ماهه - که این فکلیس‌ها هم این ریش‌ترانش‌ها هی تزریق کردند باینکه این اخوندها را انگلیس‌ها آوردند. ماهه را از هم جدا کردند. کی نفع را برد؟ آنها که میخواستند نفت‌های مار ببرند. آنها که میخواهند نفت ما را ببرند اینکه این رفت این هماهنگی هر چه دلشان خواست می کنند و ما هم هیچکاری نمی کنیم. امروز هم که نزدیک مجرم است من بینم که گفته میشود. حالا امیدوارم که صحیح نباشد - گفته میشود که بعضی از این جوانها پاک دل ما بازی خورده اند که اگر یک آقانی بخواهد مثلاً روپه بخواهد میگویند که نه دیگر روپه لازم نیست. اینها مختلف نیستند که آنها که با روپه مخالفند، همانها بودند که با روحانیت مخالف بودند. همانها بودند که با دانشگاه مخالفند و همانها هستند که با کارگر مخالفند و همانها هستند که با کارگر کشاورز مخالفند و همانها هستند که میخواهند ما را بدوشند و ما را ذلیل نگارند. این هماهنگی که در تمام ملت ما در قصه کربلا هست این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد میشود اگر خوب راهش ببریم ما برای این هماهنگی بیرون میگردیم و قدر این را باید بدایم و جوانها می توجه باشند. جوانها می ملتفت این معنا باشند که دستهای الان در کار است که میخواهند یکی یکی اشخاص موثر را از بین ببرند یکی یکی مجالس را از میان ببرند، مساجد را محتواش از بین ببرند. ما همین مساجد و همین روپه هد و همین روپه های هفتگی هم باز -

همینها همینها توچ، مردم را به همان هماهنگی را ایجاد می کند. اگر دولتها دیگر بخواهند یک هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند میسر نیست برایشان. با صدها میلیارد تومان هم برایشان میسر نیست. مارا سید الشهدا اینطور هماهنگ کرده ما برای سیدالشہدا که اینطور هماهنگ کرده اظهار تاسف نکنیم؟ ما گریه نکنیم؟ همین گریه ها نگهداشته مارا گول این شیاطینی که میخواهند این حربه را از دست شما بگیرند گول اینها را نخورند چه جوانها می‌باشد - همینها هست که مملکت ما را حفظ کرده - تکلیف آقایان اینست: روپه بخواهند - تکالیف مردم است دسته‌های شکوهمند بیرون بیاورند دسته‌های سینه زن شکوهمند. البته از چیزهایی که بر خلاف مثلاً چه هست از آنها برهیز کنند اما دسته‌ها بیرون بیایند، سینه بزنند هر کاری که می کردن بکنند. اجتماعاتشان را حفظ کنند. این اجتماعات است که ما را نگهداشت این هماهنگی هاست که مارا نگه داشته. گوششان می‌زنند این جوانها عزیز صاف دل را - می‌ایند توی گوشش می کنند که خوب دیگر گریه میخواهیم چه کنیم یعنی چه؟ ما اگر تا ابد هم برای سیدالشہدا گریه بکنیم، برای سیدالشہدا نفعی ندارد برای مانع دارد همین نفع دنیا اش را شما حساب کنید. آخرین سرچای خودش. همین نفع دنیا اش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور بهم متصل می کند. ما این سنگر را نباید از دست بدیم کسانی که کوشش دارند که این سنگر را لز ما بگیرند آنها که از ما هستند و مردم صالحی هستند بازی خورده‌اند. پشت این جای یک دست مرموز فاسد مفسدی هست که میخواهد ملت ما را به تباہی بکند و ما باید بیدار باشیم و ملت ما باید بیدار باشد.

نظر علی شریعتی در مورد ملاها

(از روحانیت چشم داشتن نوعی ساده لوحی است که ویژه مقلدان عوام است و مریدان بازاری)

با مخاطبها آشنا صفحه ۲۱۳

(و در برآبر اینهمه دشمنی‌ها و خطرها، و زشتی‌ها و خیانتها، و دروغها و پستی‌ها، و بی‌رحمی‌ها و بی‌شرمی‌ها شیخ ...)

(و در برآبر اینها که منابع عظیم و انرژی زای خریت و جهل و تعصب را در اختیار ریا و هالوس و فربی خود دارند و منبرها و محرابها و هزارها مداعج و روشه خوان و واعظ ...)

با مخاطبها آشنا صفحه ۵۲

(بیا و بین که همان ریش‌های بلندی که تا دیر ورز بخصوص که تمام ماه رمضان امسال، در مسجدها و تکیه‌ها و سفره‌ها و مجالس زنانه عربده‌ها می‌کشیدند و هارشدند بودند ...)

با مخاطبها آشنا صفحه ۵۳

ملاهای رسمی بکارهای خود آغاز می‌کنند شایعه سازی، و سپس فتوی و در آخر ذبح شرعی

تشیع سرخ صفحه ۲۲

معلوم بود کی می‌خواهد جلوی اینها مقاومت کنه؟ آخوندند، و ملاها، و رمالها و جنگیرها؟ او نهانه اهل مقاومت نیستند، او نهانه که شورشان به این کارها نمیرسند، آنها هم که شورشان نمیرسند حقه بازند و دستشان تو دست همین دسته ...

با مخاطبها آشنا صفحه ۲۲۰

نظر حضرت آیت الله العظامی نائب الامام خمینی در مورد ملاها

نکته اصلی حمله بعلماء اسلام

اینان و هر یک از صاحبان آراء باطله، و مفتخارهای ناهنجار چون می‌دانند که تنها کسی که هی تو اند مشت آنها را در جامعه باز کند، و دروغ پردازی آنان را روی دایره پریزد ملاهای مشتند، و دیگر مردم یا تخصص در این میدان ندارند یا اگر اطلاعی کم و بیش داشته باشند و ظیفه خود را جلوگیری از افسار گیختگی‌ها نمی‌دانند، تنها چیزی را که برای پیشرفت مقاصد مسموم خود مقدم بر هر چیز برخود لازم می‌دانند آنست که با هر وسیله‌ای شده است به یاده سرالی و دروغ پردازی و تهمت و افتراء به ملاهای تو وده را از آنها کوتاه کنند، و آنها را پیش مردم خوار و کوچک کنند و از نفوذ روحانی آنها با هر جانشانی که هست بکاهند تا میدان تاخت و تاز برای آنها باز شود، و با کمال آزادی و دلگری بتوانند با جان و ناموس و مال یک مشت بیچاره ستمدیده بازی کنند و گزنه به شهادت تواریخ معتبره از بعد از رحلت پیغمبر اسلام تا امروز گزئی که دین مردم را نگاهداشت و جلوگیری از یاده سرالی افسار گیختگی گردد علماء و ملاهای بودند. و دیگران یا وظیفه این کارها را نداشتند یا خود را وظیفه دار نمی‌دانستند.

(در باسخ به کرسی خبیث و کرسی‌ها)

(کشف اسرار) صفحه ۸

نظر علی شریعتی در مورد شفاعت

شیعه صفوی می‌گویند امام حسین و حضرت ابوالفضل و حضرت زینب و حضرت عائی اکبر - علی اصغر
مرا شفاعت می‌کنند

(تشیع علوی و تشیع صفوی) صفحه ۹۶ چاپ اول

شفاعت در تشیع صفوی از تقلب در امتحان ورشوه در دادگستری ودارالله هم اثرش بالاتر است . قوی -
ترین پاره‌ی بارشوه برای گستاخانه ترین تقلب در پرونده این است که غلطهای شاگرد بیسواند را ندیده
گیرند و یا تمام بدھی مالیاتیش را هیچ کنند و یا پرونده قتل متهم را پامال سازند اما شفاعت در تشیع
صفوی ، بر عکس ، مقدار غلط را نمره مثبت می‌دهد ، مبلغ بدھی را تبدیل به همان مبلغ طلب از دولت
می‌سازد و اتعام قتل نفس را بصورت معجزه احیای نفس منعکس می‌سازد ، بدل الله سیاستهم حسنات .. را
اینجوی معنی می‌کند که بدی‌های شیعه صفوی در اثر شفاعت و در آخر شفاعت باشد اما خوبی ها .. می‌شود که
 فقط پاکی گردد ! یعنی کلاه سرکسی می‌روید که شیعه باشد اما تنها نکند و نامه اعمالش سیاه نباشد زیرا
 ماده‌ای برای تبدیل به حسنات ندارد !

(تشیع علوی و تشیع صفوی) صفحه ۹۷ چاپ اول

نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب‌الامام خمینی در مورد شفاعت

جواب آنست که این سخن است که در کتابهای فلسفه از قبیل کتابهای
شیعه الرؤس اصولی و محقق عظیم الشان داماد و فیلسوف بزرگ اسلام سدرالطالبین
دکر شده و جواب آن متفصل در آن کتب است و این اشکال نه بین شفاعت شده
 بلکه با سجات دعاها و پذیرفتن تو به که هر یک از واسطات تمام آینین ها و قرآن
 همه آنها را ذکر کرده است شده و جمله کلام آنکه این امور مستلزم بدان است و
 آن منافی مقام خدا است و جان جواب آنسته تصمیم ازلی پذیرفتن شفاعت و
 دعا و توبه است بغير تکلف تصمیم و جون این سخنی است علی بایه‌های قرآن
 که از انگاره قوم پیشتر مردم بیرون است متفصل آن تبیره از این و جواب سخن
 اینان را با سخنان عامنه مثل خود آنها می‌دهیم و گرته بیشتر این بحث‌ها تحلیل
 علمی دقیق دارد که دست این کوکن بین خود از دامن آن کوتاه است
 اینکه همان بگوییم بگفته شما خدا تو به راهم باید بذیرد و دعا را هم قول
 نکند یا چنین خدای چوچی که از مختاریها و احمدیها و عملهای دروغ و خوارز
 است برمد مرغی باید کرده که هر کس بک قدم مخالف او ره است باواج کند و نا
 آخر قوه که دارد در آزار او بکوشد که می‌دانی آخوند مکنی بشود تقویان
 دادن که مانی بین خودی در کارهای خدایی وارد می‌شوند آوح از این بیانه‌گریها
 که بخدای مهران نسبت میدهد

پاره‌ی از گفته‌های این باده گویا دست کم با شعرتی قرآن نخواهد که بسته
 قرآن برای گواهی خدای چوچی درباره شفاعت چندرا آیده فرستاده و باصر احت
 - پیجه آنرا گوشود مردم کارکشان حرمت بگویند (تعالی اللہ عاصی الطالبوں
 علاؤ کیم) ماینک چند آیه از گفته‌های خدا مباریم و از شما حکیمت مظلوم
 سوره بقره (آیه ۲۵۰) می‌تواند آنکه بفتح عنده الآباء ذکر سوره ایه
 (آیه ۳۸) ولا يشفعون إلا عن ارتضي و هم من خشيته مشفعون سوره
 والجم (آیه ۲۶) و تم من ملك في السموات لا تقي شفاعتهم في الآسم
 بعد آن ياذن الله لعن يشاء وغير ضی

معنی آنے اول آنسته کیست آنکه شفاعت کنید پیش خدا مکر آنکه بادن او را نهاد
 (آیه ۲۶) و شفاعت نمی‌کند مگر برای کسیکه خدار ایشی باشد (آیه سوم) و
 چندرا می‌دانی که این آسانه که سود نکند شفاعت آنها بی‌وجه مگریم از آنکه

خدا ادن بدهد برای کسیکه بخواهد و راضی باشد

اکون خواندگان محترم این آیات را مخواهند و غیرت نگیرند از بخردی
 اینان که با آنکه خدای چوچی بیهراحت لیجه شفاعت را با این خود برای گروهی
 روا داشته این ندانان یکسره آنرا منکر می‌شوند و گویند آنرا اعلام می‌خواهند
 ماجر کراسی این آراء مسومه را خوب میدانیم و باوه کویهای آنرا خوب دیدیم
 هدف اصلی اینان قرآن است و ملایان و گفته آن و کتابه او خبر هارا حلول آنداخته اند
 که دل نوده را از آن برینجاشد و قوی دفاع ملت را از کارستادن و گفته های آنرا
 در جامعه بی ارج گندان آن؛ بن هدف اصلی خود را شاهد کنند عاشمار ایشان کرده
 و فریها و دروغ بردازیهای آنرا شما فروشانید و از گفته های قرآن بر سخنان
 یاوه اینان خط باطل کشیدم تادرزید و جدان خود وی شکاه باعظامت خدای چوچی
 بن آبر و محاکوم نباشیم

بحث در اطراف از جزء های مذکور این اوراق سیرویای خود مبنی است آنکه
 شفاعت خدامکرمانه آخوند مکن است که وقتی شاگرد را بطلک
 سست خیلی میزند مگر اینکه دیگری باید و همایچیگری بکند تعالی اللہ عاصی یقین
 الطالبوں علاؤ کیم

بریشه این سخن ازوایه است آنهم گویا راجح شفاعت جتن از مرد گانست
 پس از آن بعضی تو سندگان مصر ایسخن را بطور دیگر بان کرده و شفاعت را بطور
 کلی انکار کرده معنی شفاعت را پیش خود عبارت از تعليمات ائمه دانسته ایز آن
 شیخ طباطبای این سخن را بسندگان و ماس خود تمام کرد و خود را فاتح این ستر
 بزرگ فلمداد کرد بیم خورد همراه با پسران آمد اول شریعت سنگنجی باید حاره
 جمالی که مخصوص خودش بود آنرا بقول اینکار خود نسبت داد و شاهنامه‌ها در
 اینست خواند سیس این بایه سرای بیوش نیمه خود و هایهارا که هر یک از اینها
 که دکر شد خورد و بروند دادند بعنوان زیمه‌های هزار ساله مایان تعبیر خنک برخ
 دیدند از آن کشیده او بیر در این سخن و دیگر سخنان تعلیم از ایشان خود را کرده
 مانشکلایی که در باب شفاعت می‌باشد کرد یکان یکان می‌شماریم و باسخ از
 از آنها بعدهم

۱- مطلب شفاعت کردن از مرد گان شرکت
 جواب این اشکال سایماً مفصل گذشت و ماروشن کردم که شفعتان بعد از
 روشن از این دنیا مرد نیست بلکه زن کی مرد گان بعنی از راح آن و خلوه آنها
 در آن عالم و احاطه آنها عالم از امور مسلم است هم در فلسفه قدیم و هم یعنی فلاسفه
 روح از پریا بر فرض بقول اینها یقین و امام بعد از مرد جون چوب و سک و دیگر
 جمادات است شفاعت خواستن از آنها یارش را بناشد منتهی آنکه کفری یهود و تلوی است
 ۲- شفاعت خواستن دخالت دادن غیر است در کارهای خدایی و این شرکت
 جواب این سخن آنسته که شفاعت کار خدایی نیست زیرا شفاعت در حقیقت دعا کردن
 بیضم و امام است که خداوند گنایه کسی را بخشد و این کار نهاده است به خدا و مایمیش
 میزان کار خدایی را فرق بین کار خدایی و خلقی را بروشن کردم و گفتم کارهاییست
 که قوه مکنیه از دیگری انجام کرده و ملوع است که شفاعت امری است که
 بادن خدا واقع می‌شود و رته است که خدا شیعه مبدع

۳- که اشکال این ایام کیخنکان است آنسته که شفاعت و میانجی گری
 کردن با مقام خدایی هنافات دارد و گفته دینداران خدا می‌دانند آخوند مکنی است
 که تامیا بیچی بیدادند و دست از کار خود برندارند جواب آنسته که این اشکال تا این
 اندازه باشد حرفی بیدلیل و گفتاری بمحاسن است و شما بگفته شما باید بند کار ای
 تعلیم هم نکند زیر این تعلیم شغل آخوند مکنی است پس تمام شرایع و ادبیان را باید
 بیهوده بدانیم و دست از دستورات بیهودان بگفته خدا را باید موجود هم
 بدانیم زیر آخوند مکنی بیز موجود است دینداران می‌گویند شما هم خدارا یک
 آخوند مکنی بیوجی میدانید که هر کس را بیوب بست تا آخر باید بزند و رحمت
 و بخاشیش در کار نیاید باشد سخن درست آنسته که این سخن تابع جاسختی ناز و ایست
 داشکالی بجه کانه است از اینه هست ما آنرا میان دیگر که می‌گیریم
 ۴- آنکه شفاعت منافی بالاراده از لی خدایی است ولازم آن بر کشتن خدا
 است از تصمیم خود و این منافی با مقام خداست

نظر علی شریعتی درمورد اینکه شفاعت از خاک گربلا را شیعه صفوی می‌گوید

یکی از این عوامل ، شفاعت است . و نه تنها شفاعت نوح و ابراهیم و محمد و علی و حسین و زینب که شفاعت خاک ، که شفاعت خون .

شیعه صفوی هم همین را می‌گوید ، اما درست ضد معنی آن و تقدیم مورد و مفهوم و فلسفه و نقش آن شفاعت خاک ! شفاعت خون ! شیعه صفوی خاک گربلا را بصورت یک ماده خاصی می‌داند که با خاک‌های دیگر زمین و آسمان فرق دارد . عناصر تشکیل دهنده‌اش چیز دیگری است . دارای خواص فیزیکی و شیمیائی مخصوصی است ، در آن یک «روح» ، یک «نیروی غیبی» ، یک اثر شیمیائی و یک «خاصیت معجزه‌آسای ماوراء طبیعی» و یک کرامت ذاتی جوهری و فضیلت مرموز و نفهمیدن پنهان است که آنرا ارزشی و تقدیمی داده است . در آن یک «مانا» نهفته است مثل یک شیشه جادویی ، یک اکسیر کیمیائی که مثل یک «دوا» و قدری به مردی یا مردی رسد ، بر روی آن عمل می‌کند و شفا می‌دهد ، مثل یک اسید و قدری روی یک جنس ریخته می‌شود و یا به فزی می‌رسد آنرا آب می‌کند ، عوض می‌کند و با فعل و اتفاقاتی شیمیائی بر آن اثر می‌گذارد و با آن میل ترکیبی خاصی پیدا می‌کند و آنرا تبدیل به چیزی دیگری می‌کند که صفات و خصوصیات و جنس و ذاتش فرق می‌کند .

(تشیع علوی و تشیع صفوی چاپ اول صفحه ۱۰۳)

در اسلام شناسی بتبریزی‌ها را نام می‌برد

قرار هی گیرد از قبیل یک درخت یک تکه سنگ و غیره ، آثار این مذهب حتی در میان عوام خودمان دیده می‌شد و در سحر و جادو و فالگیری و دعا نویسی وغیره بروشنی آنرا می‌توان بررسی کرد . بعضی اشیاء که بعنوان «برکت» «جیب» ، «قلک» ، «خانه» وغیره نگهداری می‌شود مهرنمای نبات یا خرما ، مویز متبرک (این تبرک است بخور ، ببوس ، دست بکش ، نگهدار)

(اسلام شناسی چاپ طوس بخش اسلام چیست صفحه ۱۲۵)

نظر حضرت آیت‌الله خمینی درمورد اینکه شفا خواستن از خاک شرک نیست

بررسی دیگر و جواب آن : یکی دیگر از پرسش‌های اینان آنستکه (شفا خواستن از تربت شرک است یا نه) جواب این سخن با درنظر گرفتن معنی شرک معلوم می‌شود زیرا چنانچه دانستید شرک عبارت از آنست که یا کسی را خدا بدانیم یا عبادت کسی کنیم بعنوان اینکه او خدا است یا حاجت از گزین خواهیم بعنوان اینکه او مستقل در تأثیر است و خداست چنانچه طوایف مشرکین چنین بودند رجوع به آراء آنها کنید پس اگر کسی از تربت یا هرچه شفا خواهد بعنوان اینکه او خداست یادستگاهی در مقابل خدا دارد و مستقل در تأثیر است یا صاحب آن قبر خدا است شرکت بلکه دیوانگی و جنون است و اگر با این عقیده باشد که خدای قادر بره چیزی نداشته باشد خاک بواسطه قدردانی از یک فداکار شده در راه دین او تمام هستی خود را از داده شفا قرار داده همچ شرکی و کفری لازم نمی‌آید .

یک گواه از قرآن خدا

اگر گفته شود مطلق شفا خواستن از جزی شرک است با هر عنوانی باشد گوئیم بنا به گفته شما خدای نیز دعوت به شرک کرده و در سوره نحل (آیه ۷۱۴) بخرج من بطور نهای شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس ان فی ذلك لایه لقوم یتکرون .

در باره زنبور عسل می‌فرماید خارج می‌شود از بدن آن شربتی با رنگهای گوناگون که در آن شفایی باشد برای مردم و در این آیتی است برای متفکران اینکه اگر ما از عسل شفا طلب کنیم برای اینکه خدا در آن شفا قرار داده ما مشرک می‌شویم و خدای عالم که پیغمبران را برای نشر توحید فرستاده خود راه شرک باز کرده بروی آنها و آنان را دعوت بشرک می‌کند یا آنکه شفا خواستن جز توصل و توجه بخدا نیست و ماجراجویان بیغفران آنرا پیش خود تفسیر کرده تا دیندگان را به خرافات نسبت دهند .

کشف اسرار حضرت نائب‌الامام خمینی در پاسخ به کسوی خبیث و کسوی‌ها صفحه (۳۹-۴۰)

نظر علی شریعتی در مورد مالی و ابته بدرزیم صفوی که امامت را برای ما درست گردید

«و ظاهرش هم اینکه مالی و ابته بدرزیم صفوی با فرشته نشان دادن امام، عقایم امام را از ندانه داده است، از محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین خیلی تجلیل گرده و فضائل و مناقب بسیار عظیم و عجیب را ندانه کشیده است! و چهارده مقصوم را از خمیرهای غمی و جوهری عاوره دانیعی و فوقی پسری شدیده و دان آنها را از ذات «انسان» جدا نموده و خلقت این چهارده نفر را اختلط آدم استثناء کرده»
(شعب علوی و شعب صفوی صفحه ۲۵)

نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب الامام خمینی در «ورود امامت قبل از صفویه»
«و ثانیاً کتابهای که درباره امامت نوشته شده است از زمان صفوی به تاکنون اگر کسی بخواهد، باید بحث مرسیوط بصفویه و سیاست آنها نیست و مادر اینجا چند کتاب را اسم مدبریم ناخواندگان خود در اجمعه کند، و معلمی بر بدست بیاورند، «کشف اسرار اصفهان ۱۵۶» «اینک مانند بعضی کتابهای امامت «را» که قبل از این دوره شده‌اند که می‌کنیم تا معلوم شود از زمان صفویه بعد کتاب‌های در این موضوع روشنی داشته باشند و تصدیقات داشته باشند، امامت قبل از آنها خیلی بستر بوده و صفویه و سیاست آنها کوچکتر از آنست که امامت داشته باشد ای از اصول از کتاب اسلامت پیرا شد»

(در پاسخ به کسری خوبی و کسری‌ها) کتاب اسرار اصفهان ۱۵۷

شافی علم الهی در امامت

اینجانام چهل کتاب در امامت که همه در زمان الله یازده که در زمان آنها تألیف شده ذکر گردید و تو استدبه این بجهودهای را از اینکه نام این کتابهای را یا مؤلف آنها را شنیده باشد محدود نموده اینم درین از پایه اطاعت او آگاهیم لکن کتاب شافی سید مرتضی علم الهی متوفی در سال ۳۴۴ که پیغمبرین کتب و مشهور ازین مصنفات در این پایه دارد در دسترس همه است خوب است هر کس می‌گوید امامت را صفویه رنگ رود آن کتاب را دیده است که مطلب را خوب بفهمد، که هر چه متأخرین درباره امامت نوشته‌ند، کمتر از آنست که در شافی سید مرتضی تحقیق کرده است از آن ملکه کتابهای مفید و شیخ الطایفه و خواجه نصیر و صدوق و علامه و دیگر از محققین و مصنفین معتبر که همه قبل از آنکه اسم از صفویه در جهان باشد، تألیف شده یا به معلومات باقی از اینها چندست می‌دهند.

(در پاسخ به کسری خوبی و کسری‌ها) کشف اسرار اصفهان ۱۵۸

نتیجه سخن مادر این باب

پس از مراجعه به کتابهایی که درباره امامت نوشته شده و توجه با آنکه موقوفین آن کتابهای در چه سالها بوده و در چه مملکت زیست داشته‌ند، خوب بددست می‌آید که قبل از دوره صفویه کتابهایی که در این دوره و نوع نوشته شده مثل عبقات و احقاق الحق در هند و سیان نوشته شده که از صفویه و سیاست آنها در آنجا اسما و نامهای بوده پس کتب امامت را بسیاست صفویه منسوب کردن از نهایت جول و بی احلاعی از کدب و احوال و زیارات است آری عالمه محدثین مجلسی در زمان صفویه زیست می‌گردد و گنبد او در آن زمان تأثیر شده و بختار الانوار که مفصلترین کتابهای اوست البته باعثیت و کمالهای اسلاماطین صفویه تألیف شده لکن باید دید که بخارجه کتابیست و مدارک آن چیز بخاری کتابخانه مهندی است که جمع شده و این کتاب را تشکیل داده و مدارک بخار در خود او بتفصیل با اسم موقوفین آنست.

اینک مدارک بخارا خالی در دست است کسیکه می‌گوید سیاست صفویه کتاب هارا بزرگ گردد خوب است اول بخار را بینند و روایات آنرا نظر کنند آنکه مدارک آن را بددست بسازند اگر (یادی در کار داشت) اشکال کند لکن باصرف ادعای بی‌جا و حرف بی دلیل نباید انسان گول خورده کلام بجهوده را بپذیرد.

کشف اسرار اصفهان ۱۵۹

نظر علی شریعتی در مورد خواجہ نصیر

برای خواجہ نصیر که برخلاف دستور صریح قرآن که ان المساجد لله، ذمین را به رسم مغول در برابر هلاکو می بوسیده چه باید گفت ...
واقعاً شیعه جز چند آخوند درباری هیچکس و هیچ چیزی یگر ندارد .
با مخاطب‌های آشنا صفحه ۱۰

نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب‌الامام خمینی در مورد خواجہ نصیر

خواجہ نصیر و امثال نصیر وقتی در این دستگاهها وارد می‌شدند نمیر فتند وزارت گشتد . میر فتند آنها را آدم گشتد . نمیر فتند که در تخت نفوذ آنها باشند . می خواستند آنها را مهار گشتد . آن خدمتی که خواجہ نصیر وقتی که در نبال هلاکو رفت خدمت بسیار ارزش‌هایی گرد . چرا که شرکت او برای مهار کردن هلاکو و برای کسب قدرت جهت خدمت به عالم اسلام بود امثال او مانند مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویه رفتند . صفویه را به میان مدرسه و بسوی علم و دانش کشیدند . اینها اما اندازه‌ای که تو انشتند کار کردن مقصود اینست که انسان درست گنیم آنان می‌گفتند که جنگ گنیم برای کشور ایشان اسلام می‌گفتند جنگ می‌گنیم اگر گشته بشویم بنفع ماست و اگر بکشیم باز هم بنفع ماست

کیهان شنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۸ صفحه ۴۲ استون ۳

نظر دکتر علی شریعتی درباره علمای دوره صفویه

«من گاندی آتش برست را بیشتر لایق شیعه بودن می‌دانم تا آیة‌الله بهمنی .
و بدتر ازاو ، علامه مجلسی را؛ و چه می‌گوییم؟ مجلسی سنی است، و امام
احمد حنبل از اوشیعی تراست » با مخاطب‌های آشنا : ص ۱۲

« من تعجب می‌کنم که شما در نامه‌تان نوشته‌اید : اگر امثال مجلسی و دیگر ملاحتای درباری را در عصر صفویه بر عملی که در ظاهر بنظر ما خلاف می‌آید، بدون در تظر گرفتن شرایط زمان تعلیمه کنیم ... برای شیعه چه و که می‌ماند؟ » با مخاطب‌های آشنا « نامه‌ای پدره » ص ۱۰

جواب قالداد عظیم حضرت آیة‌الله العظمی نائب‌الامام خمینی در این باره

«می‌بینم يك طائفه از علماء اينها گذشت کردن از يك م تمامی و متصل شدن به سلاطینی،
با اينکه می ديدند که مردم مخالفند ، لكن برای ترویج دهانت و ترویج تشیع اسلامی
و ترویج مذهب حق اینها متصل شدند به يك سلاطینی و این سلاطین را
وادر کردن خواهی نخواهی برای ترویج مذهب تشیع .
اینها آخوند درباری نبودند، این اشتباهی است که بعضی از نویسندها این امر روزی می‌گند.
سلاطین اطرافیان این آقایان بودند، اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض
دینی داشتند . باید يك کسی تابگوش خورد که مثلاً مجلسی رضوان‌الله علیه،
محقق ثانی رضوان‌الله علیه ، نهی دانم شیخ بهائی رضوان‌الله علیه با اینها
روابط داشتند و میر فتند سراغ اینها ، خیال کنند که اینها مانند بودند
برای جاه و عزت و احتجاج داشتند به اینکه سلطان حسین و شاه عباس به
اینها عنایتی نکند، این حرفاها بود در کار . اینها گذشت کردن، يك گذشت،
يک مجاهده نفسانی کردن، برای اینکه این مذهب را بوسیله آنها در یک
محیطی که اجازه می‌گرفتند که نش ماه دیگر اجازه بدھید ما حضرت
امیر ع، راسپ بکنیم ترویج گنند »

از سخنان پیشوا در روز سه‌شنبه ۱۷ / دی‌قده ۱۳۹۷ قمری

نظر علی شریعتی در مورد اینکه عقل جای وحی را می‌گیرد

س - شما تکامل راحتی در وجود شخص پیغمبر لازم می‌دانید و ثابت کردید که هر موجودی احتیاج به تکامل دارد پس چرا حضرت محمد می‌گفت من خاتم پیامبرانم؟
ج - قسمتی از جواب این سؤال را «محمد اقبال» فیلسوف بزرگ معاصر اسلامی می‌دهد و مقداری هم خودم با آن اضافه می‌کنم و عقیده شخصی خود است و مستول آن شخص خودم، و آن این است که وقتی می‌گویید خاتم انبیاء من هستم نمی‌خواهد بگویید آنچه گفتم انسان را الی الا بد پس است بلکه، خاتمتی می‌خواهد بگویید انسانها تا کنون احتیاج داشته‌اند برای زندگی خودشان از معاوراء تعقل و تربیت بشیشان هدایت شوند حالا در این زمان (در قرن هفتم میلادی) بعد از آمدن تصدیق یونان، تمدن رم، تمدن اسلام، قرآن، انجیل و تورات تربیت منذهبی انسان تاحدی که لازم بود انجام پذیرفته است و از این پس انسان «بر اساس این طرز تربیتش قادر است که بدون وحی و بدون نبوت جدیدی خود روی پای خودش بزندگی ادامه دهد و آنرا کامل کند. بنابراین دیگر نبوت ختم است؛ خود تان راه بیفتید».

(ودر صفحه بعد مینویسد)

بنابراین فهم انسان امر و زیجای رسیده است که اگر بخواهد، خودش را بتواند بر اساس تربیت‌های منذهبی گذشته اداره کند و سعادت‌مند نباشد. پیغمبر انهم نمی‌تواند اگر خود بشر خواهد کاری کنند. پیغمبران می‌توانند اندیشه راچنان هدایت کنند که انسان بتواند صلاح و فساد خودش را تشخیص دهد پیغمبر اسلام می‌گویند که از حالا ببعد تربیت شده‌ای و شعورت تا حدی که بتواند صلح و سازش و سعادت و تکامل و آسایش برقرار کند، رسیده است.

تومیتوانی و می‌فهمی، یعنی اندیشه‌ات بمرحله‌ای از تکامل رسیده که احتیاج ندارد بازهم وحی دست تو را بگیرد و پابا ببرد. از این پس، عقل جای وحی را می‌گیرد، البته عقلی که با وحی در طول قرون پیش تربیت یافته و بالغ شده است.

(اسلام‌شناسی چاپ طوس صفحه ۶۹ - ۷۰)

توجه

قسمت اول این نظریه که انکار خاتمتی است کسری همه بشکل دیگری گفته است و نائب الامام خمینی از ۳۰۵ تا ۳۱۰ کشف اسرار جواب فرموده‌اند و امام قسمت دوم این نظریه که بازهم نائب الامام خمینی در صفحه ۷ کشف اسرار جواب فرموده‌اند می‌آوریم.

نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب‌الامام خمینی در مورد کسانی‌که که

می‌گویند عقل جای وحی را می‌گیرد

(عوام فریب کیست؟)

آفرین برشاطر ارهای یاوه سراکه اول بالظهار علاوه‌عنه است و عبارات جالب توجه توده را متوجه خود می‌کنید و در آخر کلام پس از چند صفحه پیکره می‌گویند دین عبارت از راهنمائی عقلست و عقل ماهر چه فهمید همان دینست اگر عقل شما و ما هر چه فهمید همان دینست پس جرا از دین اسلام و قرآن خدا و پیغمبر اسلام اسم می‌برید شما عوام فریبی را بدلیل بیزرسان اسلام نسبت می‌دهید و خود در چند صفحه کتاب چندین موضع آن عوام فریبی می‌کنید شما اول دم از دین می‌زنید و برای اسلام دلسوژی می‌کنید و سنگ قرآن و اسلام را بینه می‌زید و خود رادردید دینداران و هوای خواهان قرآن قرار گیری دهید و در چند صفحه بعد با کمال جرئت و جهارت می‌گویند قانون هزار سال پیش درد امروز را دوا نمی‌کند بیرای آنکه قانون ثبت و گمرک را ندارد ما پس از این خواهیم روش کرد که خدای محمد (ص) که قانون گذار است تکلیف گمرک و ثبت و هر جزئی از جزئیات احتیاج بشر را برای همه دوره‌ها معین کرده شما چه می‌دانید قانون اسلام چوست ما که شمارا بهتر از هر کس می‌شناشیم و سوابق شمارا خوب می‌دانیم شما چه می‌دانید قوانین اسلام کجا است کسی‌که دست کم یکبار قرآن نخوانده است که با صراحت لهجه بگویید در قرآن اسم جبرئیل نیست و اینکه جبرئیل وحی آورده در قرآن نیست با اوچه بتوئیم و ما پس از این ذکری از این نیازمندی بیش می‌آوریم تاخیان‌نکاری معلوم شود.

(پاسخ به کسری خبیث و کسری‌ها کشف اسرار صفحه ۸ - ۲۴۴)

نظر علی شریعتی در مورد سعی (در مکه)

در همین سعی می‌رفتم، یکی از همسفرهای من که طبیبی داشتمند و هنرخناس و حساس بود، میگفت برای اولین بار احساس کرد ۱۴۳۰ که چقدر در این حج عمق وجود دارد.

و اسلام این همه دارای آندیشه و معنی است و هر گز فکر نمی‌کرد مذهب اینهمه فکر و فلسفه و عمق و فرهنگ داشته باشد و بشدت تحت تأثیر اینهمه معنویت و اینهمه حساس و اینهمه آندیشه و اینهمه عمق تأثیر و وزن مسئولیتی که حج بر سرشت وزندگی آدم آگاه می‌گذارد دقرار گرفته بود و از این‌رو، برمی‌هی هر نکته‌ای تأمل بسیار می‌کرد و از هر عالمی می‌برسید و هر چیز را سارشار معنی و عمق و شعر ریافت.

نژدیک من سعی می‌کرد و غرق آندیشه و احساس بود و چون دقیق بود کتابی را - از همانها که مخلوطی است از مناسک و دعا و زیارت نامه وغیره، گشوده بود و آنچه را به سعی مربوط بود می‌خواند. ناسیان، باشگفتی از من پرسید که: «فلاانی، اینجا یک چیزی نوشته که درست نمی‌فهمی یعنی چه؟ پرسیدم: چه نوشته؟ گفت: نوشته است: «در سعی چهارم روی پله چهارم صفا اگر بایستی این ورد را بخوانی پوولداره شوی!» خجالت کشیدم که یک جوان روشنکر داشتمند و حساس که معنی ارزش‌های انسانی و زیبائی‌های روح و سرمايه‌های شعورو داشت و هنر و ایمان و عشق را می‌فهمد و اسلام و بیویه حج بتازگی اینهمه برایش زیبائی و عمق و آبروی علی پیدا کرده، با چنین چیزهایی که نیاز پول برست‌های بیعرضه بدخت و عاجزرا برآورده می‌کند برخورد کند، برای توجیه گفتم: نه دکتر، این حرفها راه‌های کتابهای کتابهای راهنمایی را فراموش کنید، این کتابهای حج تألیف میکنند نوشته‌اند پشت جلد را نشانم داد و نام مؤلف را. پشمیر زید، تنها جوابی که دادم این بود که راه افتادم و به سعی ام ادامه دادم...، باجه سرعتی!...

تو آقای توپسنده این کتاب عالم، خودت واقعاً از هیچکس پول نمی‌گیری؟ دیگر هیچ کاری برای پولدار شدن نمی‌کنی؟ فقط سالی یکبار روی همان پله چهارم کوه صفا می‌ایستی و اینرا می‌خوانی و پولدارمی‌شوی؟ چرا خودت پول نداری؟ و اگرداری مسلم است که از پله چهارم کوه صفا بادست نیاورده‌ای، اصلاً عالم عزیز! پله چهارم چی؟ تبه صفاهم دیگر نیست جایش بکرید و مردن سبک ایتالیائی و آمریکائی است، حواس است که جاست؟ برای مردم بدخت راهنمای حج می‌نویسی و خودت حج راندیده‌ای؟ از روی کتابهای عصر بوق رونویسی می‌کنی؟ امر و زهوا پیماهای چهارم و توره راحاجی دیگر سوار نمی‌شود که خبلی کهنه‌شده و از خط مکه افتاده و توهموز از شتر حرف می‌زنی و پله چهارم کوه صفا و بازار عطر فروش‌ها و

(پدر مادر مامه تیم صفحه ۳۵-۳۶-۳۷)

نظر حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در مورد

دعای در سعی

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفارا طول دهد و هنگامی که از صفا بیان می‌آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بتویید:

(اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر و فتنه و غربته و وحشته و ظلمته و ضيقه و ضنكه،
اللهم اظلنی فی ظل عرشک یوم لاظل الا ظلنك)

(مناسک حج نائب الامام خمینی چاپ جدید قطع جیبی صفحه ۱۵۱)

نظر علی شریعتی در مورد اینکه مهر نماز شرک است

سه نوع مذهب چند خدائی Polytheisme در جامعه‌های انسانی بوده و هست

۱- بت پرستی

۲- ستاره پرستی

۳- مذهب fetiche

از قبیل یک درخت، یک تکه سنگ وغیره، آثار این مذهب حتی در میان عوام خودمان دیده می‌شود و در سحر و جادو و فال‌گیری و داعنی‌سی وغیره به روشنی می‌توان آنرا بررسی کرد. بعضی اشیاء که بعنوان «برکت» جیب، قلک، خانه وغیره نگهداری می‌شود، مهر نماز، نبات یا خرما می‌ویند مثیرک (این تبرک است بخور، ببوس، دست بکش، نگهدار...). درخت‌های هراد ده، اشیائی برای جلوگیری از چشم زخم، یا برای صدمه زدن به دشمن، طلس‌ها، مهره‌ها، تسبیح، یک تکه نان، ...).

(اسلام شناسی چاپ طوس صفحه ۱۲۵)

جواب این نظریه را در مورد مهر و چیزهای مثیرک و شفا دهنده حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در صفحه ۱۰ الی ۲۵ کشف اسرار فرموده‌اند مراجعت نمایید.

نظر علی شریعتی راجع به مفاتیح الجنان

اسلام فردا دیگر اسلام مفاتیح نیست، اسلام قرآن است.

(بامخاطب‌های آشنای صفحه ۱۳۱)

(و صدھا عبارت دیگر در این مورد در کتابهایش دیده می‌شود که از حجم این مجموعه خارج است.)

نظر حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در مورد دعا و مفاتیح

نه این است که ادعیه بازمی‌دارد انسان را از اینها لی که این آقایان می‌خواهند اینها همه آمالشان همین جاست هرچه که ماوراء اینجا باشد این ذهنیات است بنظر آقایان.

یک وقت هم با او می‌رسند بینندگان عینیات بود آنها، اینها ذهنیات است.

« همین ادعیه همین خطبه‌های همین نهج البلاغه همین مفاتیح الجنان همین کتابهایی که ادعیه هستند اینها کمک انسانست در اینکه انسان را آدم کند. »

دور کردن مردم را زان ادعیه و کتب دعا که یک وقتی آتش می‌زندند، آن مرد خبیث، کسر وی، یک روزی داشت که روز آتش سوزی بود. کتابهای عرفانی و کتابهای دعا و اینها را می‌آوردند، می‌گفتند که آن روز آتش می‌زندند. اینها نمی‌فهمند دعا یعنی چه. تأثیر دعا اینمی‌دانند در نقوص انسان چیست نمی‌دانند که همه خبرات و برکات از همان دعا خواهی است. همینها هستند که بطور ضعیف دعای خوانند و ذکر خدا می‌گویند، همینها هم بازدازه همان مقدار تأثیری که طوطی و از هم هست لکن در شان تأثیر کرده بیشتر از آنها هستند که تاریک آن هستند نمازخوان و لوازنکه یک مرتبه نازله‌ای را دارد از آن نمازخوان بیهتر است. مهدب تراست این درزدی نمی‌کند.

پرونده‌های جنایت را شمار بررسی کنید بینند چقدر شر مال خالیه است چقدر شر مال غیر طلبی، چند تا ملا پرونده درزدی و شرب خمر و فرض کنید جهات دیگر داشته‌اند. البته اشخاص قاچاق هم در این طائفه هستند. اما آنها اهل نمازندنه‌اهل چیزهای دیگر صورت قراردادند فقط برای استفاده اما همین دعا خوانها و همین کسانی که بظواهر اسلام عمل می‌کنند اینها پرونده‌های جنایشان نسبت بدیگران یا ندانند یا کم است. در نظم این عالم همینهاد خالت دارند دعا انباید از بین این جمعیت بیرون برد.

جوانهای مار انباید از دعا منصرف کرد این یک مطلب غیر صحیحی است که به اسم اینکه قرآن باید باید میدان. نباید آن چیزی را که راه است برای قرآن ازدست داد.

اینها یک وسیله‌هایی است که از شئون شیطان است به اسم اینکه قرآن را دیگر باید خواند، دیگر دعا و حدیث باید کنار برود و قرآن باید.

« اگر دعا و حدیث را استثناء کنیم قرآن ازدست رفته است آنها لی که می‌خواهند قرآن را بیدان بباورند و حدیث را کنار بینند. آنها قرآن را هم نمی‌توانند بیدان بباورند. آنها لی که ادعیه را می‌خواهند کنار بگذارند و به اسم اینکه ماقرآن می‌خواهیم نه دعا، آنها قرآن را هم نمی‌توانند بصحنه بباورند اینها از وساوس شیطان است. » و چیزهایی است که انسان را گول می‌زند و بیان هم یک بیانی است که جوانان را گول می‌زنند باید این جوانها بدانند که اینها که اهل حدیث بودند و اهل دکر بودند و اهل دعا بودند، بیشتر خدمت کرددند به این جامعه، یا آنها لی که اهل این نبوذند و می‌گفتند مالهای قرآنیم؟ کدام بیشتر خدمت کرددند ؟ تمام این خبرات و مبرات که می‌بینید، از این مؤمنین است.

تمام این موقوفانی که برای خیر است مطلق، و برای دستگیری از ضعف است، از این اهل ذکر و اهل نماز است، از غیرشان نیست.

در اشرافی که سابق بودند و متمول بودند، آنها لی که نمازخوان بودند، مدرسه درست کرددند آنها لی که نماز خوانندند، مخصوصاً و امثال آن درست کرددند این یک مطلبی است که نباید از بین مردم بیرون بشود، باید ترویجش کرد؛ ایده مردم را ادار کرده اینکه این توجهات بخدا را اشته باشند. ماقطع نظر از این بگنیم که برای رسیدن انسان به کمال مطلق این ادعیه کمک می‌کند برای اداره یک کشوری هم اینها کمک می‌کنند.

کمک کردن یک وقت این است که انسان می‌رود دزد را می‌گیرد، یک وقت دزدی نمی‌کند. آنها لی که اهل مسجد و دعا هستند. اخلال نمی‌کنند، این خودش کمکی بجامعه است وقتی جامعه افراد هستند، افراد اگر فرض



گفید، نصفشان اشخاصی باشند که بواسطه استغلال به همین دعا و ذکر و امثال ذلك ، از معاصری اجتناب کنند .
مثلاً ، کاپب است گویی رامی کند و معنیست هم نمی کند . دزدی هم نمی کند . اینها که سرگردانه میروند
و تفکر می کشند و آدم می کشند ، اهل این معانی نیستند . اگر اهل این معانی بودند ، نمی کردند .
قریب جامعه بهمین چیز هاست بهمین ادعیه ، واینها است که از پیغمبر وارد شده و از خداوارد شده است .
چنین تعبیری : « قل ما یعنی ابکم ربی لولاد عالیکم » اگر قرآن هم می خواهد ، قرآن دارد از دعا تعریف
می کند . مردم را ادار بدعای کند که اعتماد بشما نداشتیم اگر دعائی کردید .
پس اینها قرآن را هم قبول ندارند .

آنکه می گویید ما دعا رانمی خواهیم قرآن را هم نمی خواهد یعنی قرآن را قبول ندارد . (ادعونی استجب
لکم) مردم بیالید مرآ بخوانید ، دعا کنید .
انشاء الله خداوندان از اهل دعا و اهل ذکر و اهل قرآن قرار بدهد . (انشاء الله)
(تفسیر سوم از حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی)

نظر علی شریعتی راجع به دعا

پدر ، مادر . . .

آخر تو که می نویسی مثلاً فلان ورد را اگر در زیر ناودان طلای کعبه بخواهی دشمنت ناگهان سوسک
می شود ! فلان دعا تورا پولدار می کند و فلان سوره قرآن دردو مرض بیمارت راشفا هی دهد ، افراد بدستور
تو به خیال دستور دین ، می خوانند و اثر نمی بینند از اصل دین عقیده شان بر هی گردد و اصل کعبه و دعا و قرآن
را بی اثر می بینندارند .
پدر مادرها متهمیم صفحه ۳۷۴
(وصدها چنین عباراتی در دفتر چهایش)

(۱)

نظر حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در مورد دعا

اینهایی که بخيال خودشان از دعا و ذکر مردم را پرهیز هی دارند که بچسبند مردم به دنیا اینها نمی دانند
چیه قصه ، اینها نمی دانند که همین دعا آدم را می سازد همین چیزها آدم را می سازد و بطوری که دنیا هم
آنطوری که باش رفتار کند ، می کند .

اقامه عدل همین انبیائی که همه این مسائل درشان بود و اهل ذکر و فکر و همه چیز بودند ۴۵۵ همه اقامه عدل
را در دنیا همینها کردند قیام به ضد ستمنگرها راه همینها کردند همان حسین بن علی سلام الله عليه کرد که دعای
یوم الغرفه اش رامی بینند چیست همین دعا هامبداً اینجبور مسائل می شود همان تو جهات به خدا ، این ادعیه انسان را
متوجه می کند به مبدأ غمی اگر انسان درست بخواهد و همان توجه بمبدأ غمی موج این می شود که انسان علاقه اش
بخودش کم بشود این نهانع فعالیت است ، خیر ، این فعالیت هم می آورد کن فعالیت برای خودش نیست می فرماید
که باید فعالیت بکند برای بندگان خدا خدمت به خدا است اینهایی که از کتب ادعیه انتقاد می کنند اینها برای این است
که خوب نمی دانند . جاهلند ، و بیچاره اند نمی دانند که این کتب ادعیه چطور انسان هی سازد این دعا داشت که از آئمه ما
وارد شده مثل مناجات شعبانیه مثل کمیل دعا حضرت سید الشهداء سلام الله عليه ، سمات ، اینها چه چور انسان
درست می کند همین که آن دعای شعبانیه را می خواهد شمشیر می کشد و دعای شعبانیه در این عبارت است که
همه آئمه می خوانند من در جایی دیگر ندیدم در سائر ادعیه که اینطور تعبیر شده باشد که همه آئمه می خوانند
همان که این دعای شعبانیه را می خواهد همان شمشیر می کشد و با کفار جنگ می کند .

این ادعیه انسان را از این ظلمت بیرون می برد وقتی از این ظلمت بیرون رفت یک انسان هی شود که برای
خدا کار می کند اما برای خدا شمشیر هی زند برای خدا مفابله هی کند برای خدا قیامت برای خدا
است .
تفسیر سوم حضرت آیت الله العظمی خمینی

نظر علی شریعتی راجع به دعا

پدر ، مادر . . .
آخر تو که می نویسی مثلا فلان ورد را گردزیر ناودان طلای کعبه بخوانی دشست ناگهان سو سک میشود!
فلان دعاتورا پولدار می کند و فلان سوره قرآن دردومرض بسمارت راشفایی دهد ، افراد بدستور توبه
خيال دستور دین ، می خوانند و اثر نمی بینند از اصل دین عقیده شان بر می گردد و اصل کعبه و دعا و قرآن را
نمی آنرمی بیندارند .
پدر مادر ما متهمیم صفحه ۳۷
اسلام فردا دیگر اسلام مفاتیح نیست ، اسلام قرآن است با مخاطبیهای آشنا صفحه ۱۶۱

(۲) نظر حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی در مورد دعا

ادعیه هم همینطورند ادعیه الله علیهم السلام، اینقدر معارف در ادعیه هست و مردم را از این دارند جدا
می کنند . اینقدر معارف در ادعیه هست ادعیه لسان قرآن هستند ادعیه شارح قرآن هستند راجع به آن مسائلی
که دیگران دستشان به آنها نمی رسد . مردم را نماید از دعا جدا کرد . نباید گفت حالا که مارسیدیم ۴۵ قرآن را
می خواهیم بخوانیم پس دعا همیچ ، خیر ، مردم باید با دعا انس بخدا بپسندند ، آنها که انس بخدا دارند و
دبایش آنها اینطور جلوه ندارد . آنها هی هستند که برای خودشان ارزشی ندارند ، برای خدا مشغول بکار
می شوند از جمله آنهاست آنها که برای خدا شمشیر زند آنها که همین ادعیه را می خوانند و همین حالات
را داشتند آنها برای خدا شمشیر می زندند . نباید مردم را از این بر کاتی که هست جدا کرد . قرآن و دعا از هم
جدانیستند . مثل اینکه پیغمبر هم از قرآن جدا نیست ما نباید بتکوئیم که قرآن را ۴۵ داریم دیگر به پیغمبر
کاری نداریم ، از هم جدا نیستند . همان است و باهم هستند . لن پیغای حقیقی برای اعای العوض انتراقی در کار
نیست مابخواهیم حساب را جدا کنیم . قرآن علیحده باشد و الله علیحده باشند و ادعیه هم علیحده باشند و
ادعیه راهم بتکوئیم که ما کاری به ادعیه نداریم و آتش سوزی کنیم و در آتش سوزی ، کتاب دعا بسو زانیم ، یا
فرض کنید کتاب عرف ارسوزانیم این از باب این است که نمی دانند ، بیچاره اند .

وقتی انسان پایش را از حد خودش بالاتر گذاشت ، در اشتباه می افتد کسر و آدمی بود تاریخ نویس .
اطلاعات تاریخیش هم خوب بود اما غرور پیدا کرد رسید به آنجائی که گفت من هم پیغمبرم . همه ادعیه راهم
کاملاً کنار گذاشت قرآن را قبول داشت ، و پیغای حقیقی را پائین آورده بود تا حد خودش . نمیتوانست به بالا برسد
اور اپائین آورده بود ادعیه و قرآن و اینها همه باهم هستند .

(تفسیر پنجم حضرت آیت الله العظمی نائب الامام خمینی)

(موارد ادعاهای پیامبری علی شریعتی)

ناگهان ، رسالتی را که در بعثت همه پیامبران تاریخ بود بردوش جانم احساس کردم .
(کویر : صفحه ۲۰۶ چاپ اول)

- (۱) - ناگهان . امر اعجاز آمیز)
- (۲) - رسالت - لفظ مقدس والا مخصوص پیامبران)
- (۳) - بعثت - لفظ حساس مقدس مخصوص پیامبر)
- (۴) - خود راهمندوش پیامبران تاریخ انتقالشته)

(مدعی وحی شده)

طنین قاطع و گنبد فرمان وحی در فضای درون می بیجد و صدای زنگهای این کاروانی را که آهنگ
رحبیل کرده است می شنوم . هجرت آغاز شده است و می دانم این آتشی که اکنون چنین دیوانه در من سر برداشته
است ، نهیک حریق ، که آتش کاروان است !

آتش که بر راه می ماند و کاروان می شندرد [کویر صفحه ۱۵۸]

(همچنان ، لغت ، ویژه مقدس والا وحی را که برای پیامبر است برای خودش ذکر کرده است)



(ادعای بر انگیختگی)

رنگها و نورهای خیره کننده، به اعجازی که از نیاشدای مهاجم و آمرانه من سر هی زد، آرام بیم
پیوستند؛ پرتوی رام فرم و نوازشگر، به رنگ سبیده صبح، پدید آورند و بر لبان عبوس و تیره افق.
لیخندی از نور شکفت و از ستیغ کوهستان شرق، آفتابی که سالهای پیش، در دریای مغرب فرونشت، برخاست و
پازهای هر آسان شباهی شب اندیش را به دور دستها راند و پر «حرا» ی جاهلیت سیاه من، پر قلب «امی»
من، پر تو سیز الهمی فرو تایید وجاده‌ای از نور، همچون کهکشان دربرابر، از من تاصبحگاه، پر پنهان کویر
کشیده شد.

لحظه‌ای در رنگ کردم؛ لحظه‌ای که پانزده سال طول کشید. محور این اعجازهای شکفت! حالتی همانند
هر اس و تردید و اشتیاق پیامبر، در نخستین صاعقه‌ای که وحی بر جانشین زد. پانزده سال پیشتر در رنگ تکردم که
«ارهات» بسیار و «بشارات» بی شمار. پیامبر پیشین این دین، روح مرآ پذیرای این «ظهور»، دل مرا
آشناز این «بعثت» ساخته بود. (کویر: صفحه ۲۰۷)

- (۱) - در مقابل کوه حرا که پر یغمیر وحی فازل شده برای خود مدعی شده است
- (۲) - عبارت راخوب توجه کنید خود را بک پیامبر بعد از رسول خدا محمد (ص) دانسته
- (۳) - ارهات راخود در پاورقی همان صفحه معنی کرده (ننانهایی که از ظهور پیامبری در آینده نزد ایشان می‌دهد).
- (۴) - بشارات راباز خود در پاورقی معنی کرده مژده‌هایی که پیامبر پیشین در باز ظهور پیامبر خاتمه داده است
- (۵) - لغت پیامبر پیشین آورده در مقابل پیامبر پیشین که بنظر خودش، خودش می‌باشد)
- (۶) - لفظ مقدسی ظهور که ویژه مخصوص است برای روح خود بکار برده
- (۷) - باز لفظ مخصوص هزار و والای بعثت را برای خود بکار برده

(متنی یزدی، حامل وحی بر نویسنده کویر !!)

با اصر از زیاد تو انتم همراه بیک متنی ورزیده و زیر دست یزدی و همکارانش به کار یزد من آباد گذر آن کار
می‌گردند بروم درست یادهست؛ پیر مرد چابک و پیر بان و مقتدری بود؛ «

من گاه فکر می‌کنم که اور وحی بزرگ و اسرار آمیز بوده است که برای بیدار کردن من؛ مأمور شده بود
تا نخستین درس را به روان این کودک - که در آینده آتش‌های بسیاری در او شعله خواهد کشید.»

آن پیر و آن فقیر و آن بیمار و آن مرد بربودا و در صورت آن فرشته فاید ابر سقراب بگوشه آن «ندا» پر شاهزاده
بلخی، ابراهیم ادhem و در سیما و پر زیل و بنا تریس برداشته، و در نام مهر او بر آن راهب در دمند صومعه
تنهائی؛ مهر، و در اندام شمعی برد و لاشاپل و در شرح اسرار آمیز روح القدس برمی‌یام.»

«من چمنی می‌بندارم که او بیک متنی نبود. هم «او» بود که، این بار، در صورت یکی متنی، مرآ از زیر
این آسمان، از روی این زمین، برای تعلیم نخستین درس، برای فرود آوردن نخستین تازیانه بر بیک روح بیندزد
و خواب آلود، به دل خاک برد.»

- (۱) - متنی برای بیدار کردن او مأمور بوده از طرف کی؟
- (۲) - که در آینده آتش‌های بسیاری از او شعله خواهد کشید. عکرچه مأمور یعنی است؟!!
- (۳) - باز بالقوه از خودش او بیک متنی نبود بلکه در قیافه متنی، ولی جبریل، برای نخستین درس اورا به
زیر زمین برده.

(مدعی معراج)

و من آتش، پس از آنست و گذارد رگ دشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شکفت مردم کویر، فرود آمد و
و بر روی بام خانه، خسته از نشنه خوب و پاک آن «اسراء» در بستر خوش بخواب رفتم.

(کویر چاپ اول صفحه ۲۵)

- (۱) - عبارت فوق معراجی شبیه معراج رسول خدا برای خود مدعی شده.
- (۲) - سپس لغت اسراء راخود در پاورقی همان صفحه معنی کرده (با اینکه) (سفر در شب اشاره به آیه الذی
اسرى بعده...) که از سفر شبانه پیغمبر از مسجد الحرام به مسجد الاقصی حکایت می‌کند.
- (۳) - ترجمه پاورقی مدعی معراج خود را ثابت کرد.

نظر علی شریعتی در مورد جامعه‌شناسی

این که تشیع را با آنها مقایسه می‌کنم از اینجهت است که من، این مقاله را فقط از نیک بعد، بعد جامعه شناسی آن مطرح می‌کنم و وجهه‌ها و ابعاد دیگرش (مباحث فلسفی و کلامی و اصولی و فقیهی اش) کار من نیست. (تشیع علوی و تشیع صفوی) صفحه ۴۵

نظر علی شریعتی در مورد جامعه شناسی

فقط درینک رشته خاص چیزی بلدم و همه مسائل را از همان وجهه که وجهه اجتماعی و جامعه‌شناسی است مطرح می‌کنم و وجود دیگر مسئله را مختصین و کسانیکه در این رشته‌ها کار کرده‌اند و آشناهی دارند باید مطرح کنند.

(انتظار مذهب اعتراض) صفحه ۲۲

توجه

کسی که صریحاً نوشته است تحقیق در مباحث فلسفی و کلامی و اصولی و فقیهی کارمن نیست چنان‌نه بخود اجازه داده که در همه مسائل اسلامی اعتمادی و علمی از آن وجهه که از درک خود خارج، یعنی دانسته دخالت کنم، و بالنتیجه قسمت مهمی از مسائل فقهی و اصولی اسلام را مورد ملعبه قراردهد و گثیری از ضروریات اسلام را بعلت ندانی یا بضمیمه علمی دیگر انکار نماید.

کسی که صریحاً اقرار می‌نماید که در رشته خاص چیزی بلدم که همان جامعه شناختی است. چه چیز او را براین واداشته که برخلاف اقرار صریحش مسائل اسلامی را از وجودی که فن تخصصی او نموده و از آنها خبری نداشته، وارد بحث شده، و اینگونه تشکیک و آشوب و لایالی سوی وی عقده‌گشی و گستاخی در برخی جوانان ساده لوح پیدید آورده است. وایشان را به ستیزه و بی‌ادبی و دشمنی با مقدمات مذهبی بر انتیجه.

نظر علی شریعتی در مورد جامعه شناسی

س - آیا غیر از سنتیانی که ذکر شده سنن دیگری هم در جامعه وجود دارد؟
ج - در قرن نوزدهم يك جامعه شناس ۱۹۸ قانون در جامعه شناختی وضع کرد اما در قرن بیستم، جور جامعه شناسی گستردگی شده است متواضع تر شده و معتقد است که هنوز قوانین ثابت شخصی کمک هدیکس نتواند منکرش باشد وجود ندارد.

صفحه ۴۸ اسلام شناسی (چاپ خاوس) نه درسیای اسلام شناسی (ازشاد)

نتیجه:

ما از علی شریعتی و مریدان وی هی برسیم شما که در ۵۰ مورد از دفتر چهارهایتان نوشته‌اید من مسائل را از بعد جامعه شناسی مطرح می‌کنم و ابعاد دیگرش کار من نیست و در کتاب اسلام شناسی نوشته‌اید که در قرن کنونی هیچ قانون ثابتی ندارد تا به این بر او تکیه گرد پس چگونه شما مسائل اسلام را از بعد جامعه شناسی مطرح می‌کنید و ثانیاً شما که هی گوئید ابعاد دیگرش کار من نیست پس چگونه خود تان را يك اسلام شناس معرفی می‌کنید.

نظر علی شریعتی در مورد علم غیب رسول خدا و اهلیتیش و معجزاتشان

پژوهش هم اینکه ملاعی وابسته به رزیم صفوی، با فرشته نشان دادن امام مقام امام را ارتقاء داده است، از محمد علی وفادوی و حسن وحسین خیلی تجلیل کرده و فضائل و مناقب بسیار عظیمه و عمیقه را تازگی در آنده کشف کرده است! و چهارده مقصود را از خمروای غیبی و جوهری ماوراء طبیعی و فوق بشری شمرده و ذات آنها از ذات «انسان» جدا نموده و خلقت این چهارده تن را از خلقت آدم استثناء کرده! و آنها را عنصری از نور الهی :

متلا آنها غیرمی دانند و انسان نمی تواند بداند آنها دشمنان را با یاری «فوت» بدست یا سوک یا شغال یا خرس و خوک و هر نوع حیوانی که سفارش را داده باشند، تبدیل هی کنند و انسان نمی تواند آنها را قنادق ازدهارا می بزراند و انسان را در جامعه سلاح ازدها می دراند . فضائل اختصاصی دیگری که برخی از آنها سخت چندش آور است و نقلش و حتی تصورش در پس پرده های خیال و گوش خلوت و خاموش، نشست و نفرت باز! ان فی الجنة نیرا من لمن لعلی و لزهرا و حسین و حسن!

(درینست) «هر آینه و بدرستی که» رودخانه ای است از شیر، برای علی و برای فاطمه و حسین رحن)
(تشیع علوی و تشیع صفوی چاپ اول صفحه ۲۵۶-۲۵۵)

نظر حضرت آیة‌الله العظامی نائب‌الامام خمینی در مورد علم غیب رسول خدا و اهلیتیش و معجزاتشان

این عاجز اجویان بکدست و پای دیگری کردند در مقابل دینداران می‌تویند قرآن در چندجا می‌گوید خود پیغمبر غیب ننمایند پس چرا دینداران غیب گوئی پیغمبر بلکه امام نسبت میدهند شاید جواب این علام فربیس از آنهاشای سابق معلوم شود لکن اینجا نیز باید بیشتر راه استیاه کاری آنها را باز کردن ترا رسوانی پیشتر شود ۵ دینداران نصیحتگویند که پیغمبر یا مام از پیش خود بی تعليمات خدائی غیب می‌گویند آنها هم بشری هستند که اگر راه تعليمات علم غیب با آنها بسته شود از غیب بی خبر ند و این آیات شریفه که می‌گویند پیغمبر بشری است که غیب نمی‌گویند همه معمنی را گشود می‌کند و گرفته ماسکوه داریم از قرآن خدا که با تعليم خدائی پیغمبران بلکه غیر آنها غسته‌گوئی می‌کرند و از امور پنهان و گذشته و آینده خبر نمیدادند.

گواهیهای قرآنی، در قرآن برای غیب گوئی عمومی پیغمبران و غیب گوئی خصوصی بعضی از آنها آیاتی نازل شده است که مابغضی از آنها را از نظر خوانندگان مستکنده اینهم تا مطلب راخوب در یابند و غرض را نان و یا وہ سرایان را خوب بشناسند سوره جن (آیه ۳۴) عالم الغیب فلا یقیرون علی غیبه احذا الا من ارتضی من رسول فانه یا سک من بین یادی و من خانه رصد آ

یعنی خدا عالم بغایت است مطلع ذمکنده بر غیب احادی رامکر آنها باید که برای پیغمبری بر گزیده که راهی برای آنها باز کند که مطلع شوند بر پیشینه ای و کسانی که پس از آنها می‌آیند یعنی از گذشته و آینده آنها را خبره دار کند سوره آن خبر این در دنالله (آیه ۴۳) که معجزات عیسی را عیمرد می‌گوید و آنکه بعما تا آکلون و ما تد خرون فی بیو تکم ان فی ذلک آیه لکم ان کتم موعمنین و آگاه میکنم شمارا با آنچه می‌خورید و در خانه خود ذخیره می‌کنید و در این نشانه ایست از برای شما و معجزه ای ایست اگر مؤمن هستید سوره تحریم (آیه ۳۴) و اذا اسر هذاقا نیانی العلیم الخبر

پیغمبر در پنهانی بعده رنهای خود مطلعی را فرمود آنرا در خفیه برای کسی دیگر اظهار کرد خداوند پیغمبر خود را که آنرا سر تو را فاش کرد پیغمبر از او می‌آخند کرد او گفت که تو را خبردار کرد؟ پیغمبر گفت خدای دانا بمن خبر داد بلکه در قرآن برای هر یم مادر عیسی غیب گوئی ثابت کرده است که پس از این ذکر آنرا پیکنیم اینکه می‌گویند این قسم آیات را از قرآن برداریم تا پندارهای شما درست شود با بخطای خود اعتراض نمکنند تا خلاف برداشته شود.

(کشف اسرار نائب‌الامام خمینی در پایان به کسر و خوبی و کسر و بیها) (صفحه ۵۰-۵۱)

باز نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب‌الامام خمینی در مورد : بجز ۵

مادر اینجا بعضی از عبارتهای کتاب حق‌الحقین مرحوم مجله راه‌ینویسیم تایپیه‌ده علمات وادرانک این بیخودان و یا مرآجوانی دروغ پردازی آنها پیش هماروش شود و اگر میخواهند آسم و رسمی پیدا کنند در این راه که خوب پیدا کردن اکنون از راه وارد شوند.

مجلسی در صفحه (۱۲) از کتاب حق‌الحقین میگوید (قسم اول در بیان‌جهانی است از سایر معجزات آن حضرت) بدانکه حق تعالی هیچ پیغمبری را معجزه عطا نکرد مگر آنکه مثل آنرا وزیاده بر آنحضرت عطا کرده است و معجزات آنحضرت ترا احسان نمی‌توان کرد وزیاده از هزار معجزه در سایر کتب ایران در کرد ام پس از آن وارد می‌شود در بیان معجزات آنحضرت بطور تفصیل و اقسام آن تا آنچه که میگوید قسم چهارم مستحب اباب شدن دعای آنحضرت است در زنده شدن مردگان و بیشتر شدن کوران و شفای افسوس بیماران و این نوع زیاده از آنست که حضرت تو انکردو اگر کسی کتابیهای علماء اسلام و اخبار از طرق شیعه و سنتی را فی الجمله بمندو دروغ پردازی اینها را خوب مفهتمد گمان ندارم در تمام مسلمانان و در بیماری از ملل یهود و نصاری و دیگر طوایف کسی پیدا شود که بگوید ما و شما هیچ نشیدیم که پیغمبر کوری را خوب کرده باشد پس اینهارا نمی‌توان گفت جا هل باین امر ند بلکه باید گفت از روی تعمید دروغ میگویند و خیانتکارند (کشف اسرار نائب‌الامام خمینی در پاسخ به کسر و خیانت و گرویها) (صفحه ۱۲۹-۱۳۳)

نظر علی شریعتی در مورد معجزه ائمه

مثل آنها غیب می‌دانند و انسان نمی‌تواند بداند : آنها دشمنان را باید «فوت» به سگ یا سوسک یا شغال یا خرس و خوک و هر نوع حیوانی که سفارش را داده باشند ، تبدیل می‌کنند و انسان نمی‌تواند . آنها در قنداق اژدهار امی درانند و انسان را در جامعه سلاح او ذهبا می‌دراند . فضائل اختصاصی دیگری که برخی از آنها ساخت چندش آور است و نقش و حتی تصورش در پس پرده‌های خیال و گوشش خلوت و خاموشی ، زشت و نفرت بار ! لعلی ولزه را و حسین و حسن !

(در پیش ، « هر آینه و بدرستی که » رودخانه‌ای است از شیر ، برای علی و برای فاطمه و حسین و حسن)

نظر حضرت آیت‌الله العظمی نائب‌الامام خمینی در مورد معجزه ائمه

(ریشه انکار معجزه و نکته اصلی آن)

میرزا ابوالفضل گلبایگانی صاحب کتاب فرائد که آنرا برای ترویج مذهب باب و بیهاء نوشتند منکر معجزه شده و کلام این یاوه سرایان بی کم و کاست واستدللان از آن کتب است و نکته انکار کردن ابوالفضل گلبایگانی کرامات و معجزات را این بود که چون دست باب و بیهاء از آن کوتاه بود و آنها مردمی بودند که از اشخاص عادی هم کمتر بودند چنانچه کتاب آنها و کلمات آنها که در دست است و مباحثه باب با نظام اعلماء تبریزی که در تواریخ محفوظ است مطلب را روشن کند از اینجهت چاره نمیدانند مگر آنکه معجزات را یکسره انکار کنند تا کسی از آنها مطالبه معجزه نکند این مقاله نگاران که خود را از زیر باز تقلید می‌خواهند خارج گشته از اینجهت به بزرگان آئین و اولیاء دین هرچه بقلم شان می‌آید می‌نویسند گاهی از این تیمیه و وحشی‌های نجد تقلید می‌گشند و گاهی از بیانی ها و ابوالفضل گلبایگانی بیانی پیروی می‌گشند هر کس اسی خواهد بفسر آئد میرزا ابوالفضل بیانی و کتاب منهج الرشاد که در در و هایه نوشته شده یا کتابیهای دیگر که در پیش یاوه‌های اینها را انشقند رجوع کند تامطلب را خوب دریابد و ریشه و پایه سخنان اینها را پیدا کن آنگاه قدر و ارج این سخنان و نویسندگان آن در جامعه معلوم شود .

(در پاسخ به کسر و خیانت و گرویها - کشف اسرار از صفحه ۵۶)

بردهمه مسالی بمحابا در اینجا بهم
نمکاره تکرار می‌گیرد و می‌داند در
جوابی که این سعاد بخداش دستیم
نایم این روت مکافر مذکور مذکور نظر به آنها
زیرا را را موسی کلیه که بود جویی نهادی
نیمهات دستوری های لایلیه
آن جامعه شناسنی را ، ساهمیل
منابع د نیمکان ندرسته با پسر
پکیم اربیلی های جوان لایلیه ایسری
سید داریله . و زیبه بر عداد مخالفین
نظم اجتماعی ایه المراز دانشی
و چه بوده خی استعداد ردمی کشور
های جهان سوی) در قرود مسکی
مسنون احتجاجی هم گردید ، عداد جامعه
شناختی که در مدت تدریسیان و
زیبار شده و سیوان بورجه مسلی
کلان سرمایه داران بسرازی تعیینات
اجنبی جهت شناخت و کنترل مرجبه
بینش نوده هایه سورت سریمان از دنی
محدود من نکند .

اینکه دو بوب روزی به دود بوجداد
موسیان بمحابا که جامعه شناسان
دو آن به شایسته مشغول می‌باشند
الورده می‌شود . اگر این موسیان
به داشته باشی برویکه که دارای
رسننه های درست معلوم اجتماعی می‌باشند
و استدار است د به بیرون رضی
های اجتماعی این موسیات علی و
نیمهات ، به کلیه مدد نهاد
هast ، به پایی بنیشیل به نظر
و استدار نوده ها ، بیکه مدد نهاد
نیمهات نویه ای زایدی اسلی
نیمهات نیمهات بخداش و مسجدلران
زیبار سنتن ایست . هوشله کواراده
های بخاری زایدی بین سلامان همای
سباس و نیمس ای بک طرف داشتگی ،
های بزرگ امریکا مانند کالیفرنیا ،

نظر علی، شریعتی، راجع به استادان یهودی و مسیحی خودش

من گور و پیچ را تعظیم می کردم اما ماسینیون را تقدیس . لوفور ، سارتر ، گور و پیچ ، مغزه را پر می کردند ، عقلم را سیر می کردند ، مراندیشیدن می آموختند ژان کوکتو اعجاب مرا بر می انگیخت و وهمواره شگفتی خیره ای به او می آندیشیدم .
این روح چند بعدی رنگارنگ ! اما ماسینیون را « دوست می داشتم » به او ارادت می ورزیدم روح را سیراب می کرد ، قلبم را پرمی کرد . ازاو بیش از علم و پیش از فکر خوب بودن را ، درست طبع بسیار متعالی و مرتفعی ، می شناختم .

خوانندگان با ملاحظه مطالعه و مراجعته به دفترچه‌های خودش در می‌باید که گور ویج را گم نیست فراری و ماسینون را مسیحی معرفی می‌کند.

نظر قرآن شریف راجع به دوستی با یهودی و مسیحی

﴿ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾ سوره مائدہ آیہ ۵۶

هر کس یهود و نصاری را دوست بدارد بدانید که او هم از ایشانست.

بنابر برهان مساوات مؤید المؤید ، مؤید - هر کس هم که از شریعتی دفاع کند او هم از کفار می باشد

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَطْعَمُو الَّذِينَ كُفَّارٌ وَيَرْدُو كُمْ عَلَى اعْقَابِكُمْ فَتَنْقِلُو خَاسِرِينَ »

ای اهل ایمان! چنانچه از کفار پیروی کنید، شما را بد عقب رانده و به دوران زیانبار گذشته (جاهلیت) (جاهلیت)

باز می گردید . (آیه ۱۶۹-آل عمران)

شناخت، نیستند و نهادا به قطبید و
مرجعی آنها در دالسکاه مایل موب
به آنها از درون شده است اینها منتهی
می‌دانند و نهادا به صورت به کارگران
والو های بجهول، من در آزادی، د
ساختن خود را جامعه‌نشناسی می‌دانند.
این دست پروردگاران تکمود هایی می‌نمایند
و معلمان سرپرده لملکل سررب
ادعای استقلال از جامعه‌نشناس طرف
یا هم دارند، ول جهونیه برای این ایند
از ساختن را من از دوستان می‌سازی
جهانه یوم از جامعه خانسار سررب
می‌دانیل شد و نسبیه انتله ،
هرچه بزهد جامعه‌نشناسی خود را ای
کنود هایی همان سرم انسانه سرگردید
حل نیزهای می‌گذلان اینها را پیشتر
برداختن
برای اینها ،
که هکای ،
دری مردم
لو می‌باشد
دو بار
الهسا ،
منشان
نه معد
موقله بر گردید . بر اینه جامعه‌نشناسان
بودند و به علت نظام پایی بسته
روشی های داشتمام و نرسکی دو
روس بر سطح کار این بجهول به او ادی
برخواهد که نه از اتفاقات
نه از سیاست، نه از نارضیح، نه از
فسله، نه از ادبیات، نه از روان-
شناسی و نه از فرهنگ . نهادی بودی
دمعی و الدوخته های تکری تها در
دانسن چند مکتب جامعه‌نشناسی .
نام چند جلد مشهداش فری ، چند
را وله بزمی و زیبایی و چند نوری
جهول جامعه شناسی مروط به جواجم
مردن خلاصه می‌شود . اینتر ناریغ
التصمیل نام و سخنان اجداد جامعه
سخنداشان را از بر من نهیمه ، ولس
کهور نسبت به سخنان اینها می‌کشند
خودهاش اکاعی دارند .

حکایتی دارای وجدان اگر، جمله
برداخته اند. مسماطه جامعه مناسن
را او هرگونه مستلزم است بر داشته
و زبانها به تحریره و تعلیل سلطی سازان
نموده اند. مسماطه جامعه مناسن
نموده اند. مسماطه مخاطبین را نیز
به کار گرفته می شوند. جامعه از
نیست، محدود است، حافظ از جمیع
و پیشان مرسی امسد که مود
آن به همراه مدرس مود می خوبید.
جامعه مدنیات مود درون، زبان ایزبانی،
مکون و مکون مخاطبین را نیز، به
نیاب افکن از اکافی کنایه
و جهان ماهی ریاضی نیز می بیند،
کاری تواند که رندی اکافی مود
به چه طرزی می گذرد، خود را سپرد
مرد به حساب زنی و زندگی و زندگی
به مسائل عقیقی ردمک اثنا را بیند.
اعبیت جلو، می خوند لذبا که که که،
مالمه موس ماهی از ایشانگاه دیده می بیند،
نهام به مطهور کامل کردن فرمیات
یکاری خوبیس برای لردن تو بیاراد
سرمایه داری نه میکند به آنها،
معقولی می کنند. برای جامعه مناسن
حرمهای مود، ایوال گاردن و نه مدن
معقول.

نظر علی شریعتی در موردیک مرد و یک زن بنام حسن آladپوش و محبوبه متحدین

معلم : حسن و محبوبه

اگنون معلم برای همه حرفهایش شاهد دارد :

مرد ، علی و ار .

- شاهدت ؟

- حسن

زن ، زینب و ار .

- شاهدت ؟

- محبوبه

عروس انقلابی فاطمه وار

- شاهدت ؟

عروس حسن و محبوبه

عترت فاطمه وار : عترت محبوبه .

با مخاطب‌های آشنا (قصه حسن و محبوبه) صفحه ۲۲۰

نظر سید احمد هاشمی نژاد در مورد حسن آladپوش و محبوبه متحدین در افشاگری ایشان از سازمان مجاهدین خلق ایران

حسن آladپوش و حسن راهی و کاغذ شفیعیها گفتند ما دیگر نمی‌توانیم نماز تاکتیکی بخوانیم ، دیگر نمی‌توانیم اینقدر تحمل کنیم و ماسک از چهره زد و دند و سیرت غیر مذهبی و ضد اسلامی خود را هویتاً ساختند و شدیداً در برابر افراد باصطلاح مذهبی مجاهدین موضع گیری کردند و حتی تا مرز زد و خورد جلو رفتند .

(افشاگری) ص ۱۳ مصاحبه با برادر سید احمد هاشمی نژاد پیرامون سازمان مجاهدین خلق ایران در مورد مارکسیست بودن عده‌ای از کادر اولیه که شاید اولین بار نامشان را افشاء می‌کنم باید بگویم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بسط ارتباطات افراد و گروه‌ها ماهیت آنها هم حتی برای بسیاری از اعضاء خود سازمان هم رو شد . از جمله آن مارکسیست‌ها نام صدیقه رضائی و محبوبه متحدین را می‌توانم با اطمینان ذکر کنم و از ذکر نام چند نفر دیگر شان تا حصول اطمینان کامل خودداری می‌کنم .
ص ۱۴-۱۳ (مصاحبه برادر سید احمد هاشمی نژاد پیرامون سازمان مجاهدین خلق ایران)

مکر شریعتیم چه بود ؟

شریعتیم ((بلی)) بود برای نقل و انتقال ((توطئه‌های استعمار فرهنگی)) از کشورهای یکانه به کشور عربی و محبوبیان ایران .
ادعای پیامبری ، انکار استعمار رهبری پروردگار بر انسان روی زمین ، تبلیغ زندانه از مارکسیسم ، ایجاد ناصله ، عیق بین روحانی - دانشجو ، سنیگری ، وهابیگری ، اسلام منهای آخوند ، تحریف غلط انداز مجنوای انسان ساز فرآن - حدیث ، وبالاخره : تبلیغ از هرجه ((بد)) است حتی اگر هم با یکدیگر ((متناقض)) باشند ، و نبود با هرچه ((خوب)) است حتی اگر هم با یکدیگر ((پیوندی)) نداشته باشند

ساده تر از دانشگاه آسرائیلی دکترای افتخاری گرفت

پارس - روپرتر - زان
لی مازنر - دیرور طی عراسی
از سعادت اسرائیل درباره،
دکترای افتخاری دانشگاه
یهودی یت المقدس و ایران
گردید.
فیلوف ۲۷ ساله فرانسوی،
بهمه دریافت هوان سوق
گشت: «دیرور این عوان،
که من از این شهر بزرگی
این میتوانم سامن دارد. و
آن دفعه خلاصی است که
میتوانم این شکل برخوانم
و این میتوانم داشتم. و
میتوانم میتوانم کند. از روی
این که دارم نا اسرائیل بر
مشخص و امیت سر برده و
شیرفت کنم».

کیهان صفحه ۴

پنجشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۹۶

۱۰۹۶ شماره ۱۳۹۷

سارتر خواستار حمایت از اسرائیل شد

من رمـوـ خـرـ گـزـارـهـ زـانـ بـلـ سـارـتـرـ اـخـطـارـ گـرـدـ استـ کـهـ اـگـرـ کـمـکـ کـافـیـ بهـ اـسـرـائـیـلـ دـادـهـ نـشـودـ،ـ کـشـورـ مـدـکـورـ باـ خـاطـرـ تـابـودـ رـوـیـوـ خـواـهـ گـرـدـ.ـ مـوـسـيـنـدـهـ وـ فـیـلـوـفـ فـرـانـسوـیـ درـ پـیـامـ بهـ کـنـگـرـهـ دـوـ رـوـزـ هـمـدرـدـیـ باـ اـسـرـائـیـلـ گـفـتـهـ استـ کـهـ کـهـ مـاـبـودـ اـسـرـائـیـلـ صـاعـعـانـیـ رـاـ بـیـکـیـ اـزـ وـظـایـفـ مـهـمـ رـوـشـنـکـرـانـ هـمـجـمـعـنـ دـلـاقـ اـزـ اـسـرـائـیـلـ رـاـ بـیـکـیـ اـزـ وـظـایـفـ مـهـمـ رـوـشـنـکـرـانـ هـمـجـمـعـنـ دـلـاقـ اـزـ اـسـرـائـیـلـ رـاـ بـیـکـیـ اـزـ وـظـایـفـ مـهـمـ رـوـشـنـکـرـانـ فـرـانـسوـیـ سـعـیـونـ دـوـسـوـاـرـ ۲۵ سـنـ اـزـ دـیـگـرـ اـزـ نـوـسـنـدـگـانـ بـخـاطـرـ اـخـرـجـهـ مـعـنـاـ کـرـهـانـدـ.ـ سـارـتـرـ مـالـ گـذـشـتـهـ بـیـسـکـورـدـ

پـیـغـامـ خـواـهـ اـخـرـجـهـ مـعـنـاـ کـرـهـانـدـ.ـ سـارـتـرـ مـالـ گـذـشـتـهـ بـیـسـکـورـدـ

روـحـیـ تـازـهـ صـدـ اـسـرـائـیـلـیـ درـ اـرـوـپـاـ وـ اـمـرـیـکـاـ گـرـدـ.ـ

سـارـتـرـ درـ پـیـامـ تـازـهـ خـودـ گـفـتـهـ استـ کـهـ اـنـهـ مـیـگـشـدـ تـاـ

بهـ بـهـانـهـ دـلـاقـ اـزـ حقـقـ فـلـسـطـنـیـهـ هـاـ،ـ سـاجـهـ جـدـیدـیـ درـ

حـارـهـانـهـ بـوـجـودـ اوـرـنـ درـ حـالـکـهـ اـبـدـاـ اـسـرـائـیـلـ تـحـقـقـ

ازـ زـوـیـ دـبـرـینـ قـوـمـ استـ کـهـ بـیـشـ اـزـ هـرـ قـوـمـ دـیـگـرـ درـ تـارـیـخـ

رـونـ بـرـدـ استـ.

ایشت: «حاصل پیروی از معبدها»

آرام، به اندون معبد پایه‌ادم در دل غوا است! امانه، محراب درسته
است. محراب بدکل نشمن نیایمده: بدکل زندگی کردن نیاید: محراب
نیایمده روح پارسی امام است. متولی بدان راه ندارد. آن را متناسب نهاد و داده
د این قرن‌های پیش، بر روی این سلله قفل بوده است. کلیدش در دست جریل
مین است. «لوح محفوظه در آنجا است. در آن عنکبوت که بر کاره گودستان
من پارس شتبون داشتم، آیا از آن را در مکونی از خیر بسید. بر من فرخواندند
جریل این این دین، در آن حال که بر مسدبط زنوس تکه ذده بود و دعاغ
پر از خوت چاهلی بود و دست در دستهای نیرومند و مرد و پریزیل، بر قاب امنی
من نقش کرده ام.... و این هم: «مُعَبَّد»

از پیچه: اطاق تنهای در دره مایگی سارتره ۵. بر تول زان و غمکن دفعه هزار
ک در عمق معبد می‌خواهد. دیدم. و آنکه در مایگی کایشی ۵۰۰ شمع را
می‌بینم در بر تو رختان زبانه‌جاده ازش. لوح محفوظ را که در بر ابرم گشوده است
می‌بعوانم. در قلب معبد، آرامگاه، جیوال شیدی را می‌بایم کا لوحش را تراشیده ام...
وایشت پاره‌ی دزیره‌ی همین صفحه:

۵ در کوچه شوشتر، سارتر و سبدهون ۱۳۹۶ دارم. می‌دانم. ۱۳۹۶ هر سری اکاردادج
نکره اند. زندگی نمکرند. موناژ از صفحه ۲۴۲ و ۲۴۳ صحن کتابچه کیریه، پشتی دامنه

صفحه ۲ گیلان
شنبه ۲۵ آبان ۱۳۵۲
۹۴۱۲ - شماره ۱۶

سارتر به آخر اخراج
اسرائیل از این نسخه
اعتراض کرد

پارس - اسونینه برس -
روز جمعه ۲۳ سر از روستکار
پر اه شکوه ای ای ای ای ای ای ای ای
به اخراج اسرائیل از گروه بند
منظمه ای پوسته ای ای ای ای ای ای ای
اندام داشت. که این عمل نظر
اندام عمومی اسرائیل است.
بارای گیری که بامر یکی از
کمیته های برسکار ای ای ای ای ای ای
از این سازمان گار گار شد
است.

اعتراض کنندگ انتشار داشت
که این عمل در حقیقت عدول از
عنصر برسکار شمار می‌برد.

«زان بیل سارتر» دینیون
دوباره و درین ایون «دویچ
فرانسوی» چزو امساکش کن این
نامه اعتراض هم.

«ای اهل ایمان! چنانچه
از کفار چزو کنید! بشمها
را به عقب رانده و به دران
زبانهار گذسته (جاده‌شنان)
با ایستاده. (آئه ۱۴۹-آل ۱۲۳)
حال تقسیم چای بیر را بخرا اینیل

شماره ۱ به شکلی روشن

ایشت: «زان بیل سارتر، یک هویت صمیمه نیست»
پکی از «معبد های دکتر شریعتی»، چیز
باور نمی‌شد که «صمیمه نیسم»، به این
سهرلت بتواند این چنین با «نیزه»
خرد، در بهترین «نوشمالان» و «دنو-

چوانان شریف ایران استعمال شناسی تاریخ»
تا پیش از این خدای اسلام ملت ما را از شر

مسلمان نمایان عوامل مکاری استعمال گران محفوظ
دارد.

کیهان صفحه ۴

پنجشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۹۶

۱۰۹۶ شماره ۱۳۹۷

سارتر خواستار حمایت از اسرائیل شد

من رمـوـ خـرـ گـزـارـهـ زـانـ بـلـ سـارـتـرـ اـخـطـارـ گـرـدـ استـ کـهـ اـگـرـ کـمـکـ کـافـیـ بهـ اـسـرـائـیـلـ دـادـهـ نـشـودـ،ـ کـشـورـ مـدـکـورـ باـ خـاطـرـ تـابـودـ رـوـیـوـ خـواـهـ گـرـدـ.ـ مـوـسـيـنـدـهـ وـ فـیـلـوـفـ فـرـانـسوـیـ درـ پـیـامـ بهـ کـنـگـرـهـ دـوـ رـوـزـ هـمـدرـدـیـ باـ اـسـرـائـیـلـ گـفـتـهـ استـ کـهـ کـهـ مـاـبـودـ اـسـرـائـیـلـ صـاعـعـانـیـ رـاـ بـیـکـیـ اـزـ وـظـایـفـ مـهـمـ رـوـشـنـکـرـانـ هـمـجـمـعـنـ دـلـاقـ اـزـ اـسـرـائـیـلـ رـاـ بـیـکـیـ اـزـ وـظـایـفـ مـهـمـ رـوـشـنـکـرـانـ فـرـانـسوـیـ سـعـیـونـ دـوـسـوـاـرـ ۲۵ سـنـ اـزـ دـیـگـرـ اـزـ نـوـسـنـدـگـانـ بـخـاطـرـ اـخـرـجـهـ مـعـنـاـ کـرـهـانـدـ.ـ سـارـتـرـ مـالـ گـذـشـتـهـ بـیـسـکـورـدـ

پـیـغـامـ خـواـهـ اـخـرـجـهـ مـعـنـاـ کـرـهـانـدـ.ـ سـارـتـرـ مـالـ گـذـشـتـهـ بـیـسـکـورـدـ

روـحـیـ تـازـهـ صـدـ اـسـرـائـیـلـیـ درـ اـرـوـپـاـ وـ اـمـرـیـکـاـ گـرـدـ.ـ

سـارـتـرـ درـ پـیـامـ تـازـهـ خـودـ گـفـتـهـ استـ کـهـ اـنـهـ مـیـگـشـدـ تـاـ

بهـ بـهـانـهـ دـلـاقـ اـزـ حقـقـ فـلـسـطـنـیـهـ هـاـ،ـ سـاجـهـ جـدـیدـیـ درـ

حـارـهـانـهـ بـوـجـودـ اوـرـنـ درـ حـالـکـهـ اـبـدـاـ اـسـرـائـیـلـ تـحـقـقـ

ازـ زـوـیـ دـبـرـینـ قـوـمـ استـ کـهـ بـیـشـ اـزـ هـرـ قـوـمـ دـیـگـرـ درـ تـارـیـخـ

رـونـ بـرـدـ استـ.

من کوچیج دایمیکردن، عالم ای میکردن، عالم ای میگردند. مرا اندیدند می‌نمایند
زان کو کن اعجوب مرا بر می‌نگیجت و هوازه با شکنی حیرانی به او می‌اندیدند
این دیچ چند بعدی نگارگرد! اما ماینون را دوست میداشتم، بـهـ اـبـدـ اـنـدـ
میوزریدم. دوچم اسراب میکرد. قلم رایمیکرد. کتاب بـهـ بـرـیـشـیـهـیـ،ـ صـرـخـیـ

آهـایـ مـلـتـ اـیـرـانـ:ـ متـوجـهـ اـیـ اـیـرـانـ شـیـعـهـ:ـ خـلـیـ مـرـاـقـبـ باـشـ

باـشـ کـهـ درـ هـنـامـ مـالـکـ اـسـلـیـ کـهـ نـوـبـاـوـکـانـ پـاـکـلـ رـاهـ جـوـیـ عـزـرـوتـ

مـغـفـلـارـ دـامـهـایـ رـاهـ رـیـگـارـتـ تـرـوـیـزـنـشـوـنـدـ

ایـ اـیـرـانـ:ـ قـطـلـ دـسـایـهـ،ـ هـمـنـ وـحدـتـ

کـهـ قـوـیـ تـرـینـ مـایـهـ وـحدـتـ

مـلـیـ مـاسـتـ؛ـ بـرـ خـودـ رـایـمـ

مـلـمـیـ بـیـسـمـ کـهـ هـدـرـ جـمـهـ

جمـهـانـ اـسـتـمـارـگـرـ قـیـبـ

وـعـاـمـلـ دـاخـلـ آـنـخـاـدـرـ اـیـرـانـ

مـوـرـدـ بـالـخـمـرـ (یـعنـیـ بـرـهـمـ)

نـدـنـ اـنـ مـاـهـ وـحدـتـ اـزـ

رـاهـ تـرقـهـ اـنـداـزـیـ)ـ هـمـلـ

وـصـاـهـنـلـدـ.

توـجهـ:ـ سـوـ؟ـ اـنـقـادـهـ اـخـنـلاـهـ،ـ آـفـرـنـ

هـاـخـنـیـ دـرـ اـیـ مـوـافـعـ حـاسـ اـزـ

سـکـوـتـهـانـ آـرـمـایـسـ مـدـاـقـبـنـ حقـ

مـوـجـبـ اـدـامـهـ وـظـیـفـهـ اـسـدـ

مـسـیـحـ بـسـتـیـ کـنـتـلـ

دشمنانه ۲۰ بستگی و رشتہ
 «لنزنس مائیپروں»
 مونسٹر لزمیں ۸۸ - ۹۳، نشریہ
 سالیانہ ۲۳۸ شمسی، مکتب تحریر
 منہاج، سفید چاہارمئین، دہلی
 مکتب از معبور حاوی علی شریعتی

که در اینم شیرهای ایران ای هست. آیا چنین است؟
لایه بده از این پلاسما نیکات از این مهدوتان از این میگذشت.
کاران که داده شدند اینها بودند. هنگامی که دیگر شدند همه توانند در
هر یکی از این مهدوتان قرار گرفتند. از این میگذشت این هر یکی صرف نظر از آنچه ایشان
نمیگذرد. از همه آنها در این میمه در گشتن و هدعتان و اینها و
همه کارهای خود را جمعیت آنها را در کدام این سر زمینها از ۱۲۷۰ خ
جنگوار نشانه است.

محب آنکه این ماهیت را میگوید: مذکوره: ۵۵۰۰ میلادی ۱۴۱۹ م
آنکه اسکن: پیغمبنت از این میگذشت:

۱۱۳۰: «اجع بفاتات را حاوی میگوید: مذکوره تمام میخواهد
بروگیرن مهدوتان را کنونی در گذشته ایشان را دارد. آنکه ک
پیغام امده ۵ مخصوص بر سری رانند مهدوتان در جهان گردیده باشدند.
حوزه اسلامی در زمان فرم ۳ برگرسن مفهوم از حجات اسلامی به
مذکوره:

۱۱۳۱: «در صفتی به عویضی میتواند:

مطلب ثالث توجه آمدی است که برای مدد این در آ
کتاب ذکر گرده: آنکه در مهدوتان سه دارایی ترسیم شده ایم) در مهدوتان
آماده مدد این در گشته و کارهای این آمده و در حق بین آنها
برای جمیع مسلمانان جهان ذکر گردیده شده است زایلی
۱۱۳۲: «در واسطه و میتوان اینکه در حق بین داشت:

۱۱۳۳: «است (آنکه برای این داشت

نهاده یکی می آیند داده است) از خیر ۲۰ میلیون عدد مد این
گذشت: از دو میلیون اینکه اینکه میگویند گه میگذر از این می
خردشان: مخفته اهل این درجه و درین شرایط همانند شاید هست
هزار و شصت هزار مدد این را (آنکه این که میگذر این میگذر) داشت:

۱۱۳۴: «درین هزار این میگذر و درین دیگر عدد اولی مایه این
ذکر میگیریم.

أكمل مستشرق في فرنسا المعاصرين^٤ ومستشار وزيرة المستعمرات الفرنسية
في متصرفية شمال إفريقيا، والرايي الوضعي، «جعفرات الشذوذ الفرعونية»
في مصر، «دار العالم الإسلامي» أكثر من مرة وخدم بالجيش الفرنسي حتى
بسوات في المغرب العالية الأولى،

شماره كتاب «الكتاب المقدس في الديانة والحياة» ص ٥٥٥
أ. ترجمة: جون كريكن مستشرق معاصر زاده «مستشار دينات»
مشكلات فرانس دو روشون سائل الديناء (فالدو جوزي مارتن)
براد د تيلكم بيل استشار زاده «سائل الديناء»: الجزاير وتونس
تونس وروبيانى استشار زاده (مان عزيز شرق) ودمورست روغان
دستجات تشيك (مكتبة مسيحي)، كـ ميلاديد صاحب دليل
حال استعداد «حنة» فرانس دروغنر، او جمان اسلام فاروق زاده
است دروخ سالم در حکم «دان الـ» (عين آنی مختار مفهوم)
دریزرت سلین برق زاده در قیون «دانه شرکت کرد» است.
(ساینسی چهل؟ چون دولت مسلمان عثمان - این آنیان پاران
مهدیت، یامنیت - فرانس، دوس، لیکس پارادیزه فرنز
فامریکا - در حال جنگ بوده - ماسیمیلیان - هزاران، شرکت
در حکم صلیبی «وارد شده است» در متریعنی، یا تربو به
این «وامیت» راهه او کشد - نیکیس «وارد معتمد» و تائیل
«امانتات کلیسا» (ساخته شده بود) است ١٨

من کو رویچ را تقطیم میکرد اما ماسینیون را تقدیم. لوور، مادرن،
کو رویچ هنر را پریمیکر کرد. عظمها سیر میکردند. مرزا اندیشتن میامو خود
آن کو کو اعجاب همای برخاندخت و همواره با شگفتی خوبی به او می اندیشید.
این روح چند بعدی رنگارنگ اما ماسینیون را وست میباشند، رس او را
میوردیده. دوچم دا سیرا میکرد. قائم دا پریمیکر.
صفتهای ای رکنای گویند که مکان خود را در آنیست و مساحتی

عنب آتش و عواریکان و دوست و همان است و بودجه

گوی سیخانه: خوشبی این حکای قلی میرزا، آنکه
اعتراف کرد و عجیب نزد آمد. آستان کامل گفته با
دستگار او «دهها» (دهه او) و خوش اعتراف از مرد
کتاب که ملیتیست درسته و حد شریعه آن را تصریحه؛
آمده است!! زیرا بعید است!

وای اذانی خواند کن باز پرورد همچون در نیز
زندگان محضری از زندگی و همراهت برخی را آورد. بر جستجوی
اسماهوریم دیگر معرفی اورا با آنها فریاد نموده اند و شور همراهی کرده اند
اشتگاه سوابیون، دشت و هنله ناسیبیون، که اکنون در
زمینه تحقیقات عالیه پارک خاتمن و در شهرستان اسلامشهر مستقر
جسته می جاند روح بلند و اندیشه غافلی پایان دیدند محدث معمن
کنند آنکه بخش از هر گروه همای دنیان قیومیت با «رون»
او آشناست. و این هم اعتراف کردن از اینکه از کتاب
«مسلمان پاک» از مشهود ماسیمونی ترجیح شده است:
صفحته ۴۱ مذکور شده است: «.....
در حالی که من در ایران او بعنوان قید رشته از ناحیه
زندگانی آمده، تصور میکنم به آنکه میتوانم بجهة و انتقام
و خود منکر مکن امانت کنم که همیکدام از ما قادر نمکن
آن امور را بخواهد. در این امور مخصوصاً ناگفکات و ظلم عالی... خود
از این امور میگذرد. آن محقق از این امور میگذرد. و فرموده بیانی در
نهایت دیده میشود همراه با آنکه بجهة حسنه اداری فاضل و بادر
که چیزی سعادتمندانه را دینه خاص و منزه محسلاً. طبق
حکمه غیر من در این امور از این امور مغلوب از این امور مغلوب
و دیگر آنها در این امور غیر از این امور

خانمیت اصل اسلام و اساس دین،
و خدشہ در خانمیت حروف از اسلام
است

مصحفی را و عده داد آن طلاقِ حن
گر بعیری توانید این سیق
من کتاب و معجزت را حافظم
بیش و کم کن را ز قرآن رانم
تا قیامت باقیشنداریم ما
تو مترس از نسخ دین ای مصحفی

ایرانی . بیدارشو . بخدای عالم .
بخدای عالم و آدم نم که یهودی و
صهائی و قاتل و مادیین غرب و شرق
و شرق و غرب و لایا بختی داخلی بظرف
یک هدف میروند . حنک کیا اسلام بوزه
»تبشیع اصول مستغل خوبی نه سفرگرد«

دكتور سوم باتكميلات

شماره ۱۰، به شماره ۱۰،
خانیت، امامت، عصمت و مهدویت

در طول تاریخ سدها دین سازان شده و دق-
مرگشان کوره است. تاریخ صدھا امیل علیم محمد
باب، بالگوئنگ فتح علی آخر زاده احمد
کسری و علی شریعتی رادرزیر آوار خرد نابود
کرد و مکنیز. مکر نبندم و ننی سنتم ۱۹

این پاوریت بالا را آن دقتاً تطبیق فرمائید!
 « این بالا رنگ فتح ملی آخر زدراو و سرمهش قشن
 روسته تراوی اصل از شمال تغذیه و عامل اغذیه در
 معقدات مسلمان آن سالان بوده که برای مامیمینا
 و میرزا فتح ملی آخر زدراو و لشکر بعل از درختانی جازده شد
 است. »

٤٠ **سورة العنكبوت**
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ الْأَرْجُنَةَ لِيَعْلَمَ إِيمَانَهُ أَبْشِرْهُ
وَلَوْكِيَّةَ الْمَرْكُونَ سُورَةُ نُوحٍ ٢٢ وَمَدَّهُ ١٧
وَرَسُولُهُ إِلَهُ الْمُهْدِيٍّ وَدِينُ الْمُحْسِنِ عَلَى الْمُنْتَصِرِ حَلَمٌ
أَنْ تَمْرُزَهُ وَلَوْكِيَّةُ الْكَلَافِرُونَ هُوَ الَّذِي ارْتَسَلَ
بِرْبِدُونَ لَنْ يَلْمِزُهُ أَوْ رَاهِنُهُ يَأْتِيَنَاهُمْ وَيَأْبَاهُمْ إِلَّا
وَنَذَّلَمُ الْبَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ يُمْكِنُ شَفَاعَتَهُمْ أَمْ لَمْ
نَأْكَلَنَّ شَفَاعَتَهُمْ أَمْ كَيْدَهُمْ شَفَاعَتَهُمْ وَلَكِنْ رَسُولُ اللَّهِ

احترام آیات قرآنی، رعایت و مُسٌّ بدون طهارت نشود . که :

آسایز هم بود که در چهار خیزین موسی، در خانه داده شدند.
در آن حسره باشد، در قبایل آن پسر، آن نفر و آن مرد، بر بود از صورت
آن فرشته از پیدا شرط از و به گفته آن بر شاهزاده بلش، از رعایم از
د دسمای در زریغه دشائی از داشتند. در دشائی از آن راهب خردمند
صومعه شهابی، مهر و دادنام شمعی بر دولانیان داشت. قشرا آقان روح النبی
مر سریم در آواز مر نکی آواز در خلوت خداونی آن خفته در نادره ایم خوش،
آن نهایا بازمانده اصحاب گوپ، هفت تن خستگان انسوس از بین جاگ، خاسب،
دیباوس، در وسوعه شستشوی مهاب، آن گیفت آرام و فرمید آن شاهر بیان
رسودانی هست چن، لوبی و در تصور ابی بربر و منه شهای در ذیحبیز ذوق اسری
گر کش گزک خواری و در چشتهای بیرون عاید در ای رسانید و در سایه ای و قیاقی
آله، که آن شیء دوش با حافظ راه امتحنی باشد، مستانه زده و سخون از شسته
بر تو داشت کرواد و ... بالآخر، دو سخن، سکوت و ریگ و امداد و راز و نام
ماستیون بر من، نهاد، گزد و نهضتین دری به داد آمدن، با از خود دقت را د
بیرون حال اولین سطر از کتاب حکمت و ابر آن خواندن از چنین می بیند از که او
یک متفق بود، هم از بود که، این بار در صورت مال متفق، هم از این بار این
آسان، از روی این زمین، بر ای سالم سخنی در دارد، بر ای آوردن مفعتم
لایزانه بر می رود روح صدود و شوق آشود، به این خلاصه در و ...

زنگها و نورهای خیره کند. بادامزی که از نیاشن‌های ملائم و آمراء
من سرمیزد، آزاد هم بیوسند و بر تونی دام و دره و موارتگر، به دست سیده
محیج، پندت آزووند. عربان عروس و قبره افق. لختی از سور شکفت و اذانیع
کوهستان شرق، آفانی کمالالبیشی دره بای مدرس فروتنسته بود. در همان دیان معانی
هر اسان شب‌های شب‌الحدیث را داد و دور دست هاراد و روح‌های روحانی، حالم‌لعت بسیار
من سر قلب ذاتی من و من، بر توپرس ایامی فروت و بوجانه‌ای از سور جمیون کوکشان
در سر ابرم، ازمن ناصیعگاه، رسیده کویر کشیده شد.

اعجازهای شنید! حالتی هم نداشت هر ای و مردی، و اندیش، پیامبر در تخت میانه میگذاشت که وحی بر رحمات داد. پاره مصال میتوانست در گلک نگردید که هر چیزی را بین میبیند و میگذرد. همچنان میگفت: این بیرون، روح من پذیر این میگزیند، دل من آشنازی این «عشق» ساخته بود.

۶ شناوه هایی که از ملکه و پیامبری در آینده تزدیک خیر مسهد.
۷ مزدها که پیامر پیش در امداد شهود پیامر خانم داده است.
پیامر پیش از آنست که این مزدها را خانم داده است.

و من آن شب، پس از گشت و گذار در گردهگاه آستان، نهادنامه زیبا
و شکم مردم کویر، فرود آمد و مرزوی یام خانه، خسته از رفتارهای خوب و بد آن
هر کسی، در درست جوییه حواب داشته. ۱۲ گنجینه خوبیه از اینها

جیزیل در
نکلای
مخالفت شی
ده صورتیک
مقتی در ته
کوئی منزه
نمی باشد

عیناً از کتاب اسلام‌شناسی جاپ طوس و کتاب کویر مونتاز شده است. به علامت ((****)) که در زیر جملات کشیده شده است دقت فرموده‌اند.

چشم پروردگار کی در این مودہ ممتاز خداوند نہایت امیر نیست. روزی ختنہ
حده آنهاست که در رحمة خوش بیرونیده آند
واعیہ حادثہ شویش فرو بیرونیده ابر خیز اوجادات را با گیره ساز و زلیدی
را همچرث کن کیا؟

امانی و مهندسی اسلامی، ایران، پایه، مصلحت (راتنم حجت)، چندی

سکوت کرد یم و اولین بی ریزان اختلاف و مبتکران اختلاف سازی، و تغییر مسیر دو بطرف استبلالک ه ناچوانمردانه در

نظام سو استفاده آمده و همین که آن تشریفاتان میباشد و
بین خریدار شد، خیلی فرمایانه در میان تجدید نظر آثار قائم
علی آخوند زاده، احمد کروی و صادق هدایت و سپهر
آنها با نامهای مرسول و بین نام برآمدند. ضرورت همارا ملزم
مالکه نشست دار، این باب و تعزیت و ظانیه دینی و ملی

و دفاع از حق و حقیقت نمود *
در مطالعه و تکثیر و نشر شماره (۱) و (۲) از همین
سزی هم همت فرمانید *
ما در حدو در امکاناتمان، این نشریه های دینی و ملی را
تپیه می کنیم شما هم در حد امکاناتان در تکثیر با ما
همکار فرمائید *

مهم
دستگیر
کنترل

توجه سو استفاده اخلاق آفرین
های دراند: افع عlass از
سکونیا آزمایش مد نهین حق.
هوجب ادامه وظیفه سند

نگاهی بر متنی را که در بحث همه ایران تاریخی وجود بر دوین جام
بعدهم کرد.
دکور، مقاله مصطفی صفت ۲۴۳

گور و بیج یهودی ماتریالیست کمونیست، بخاطر آنکه تمام عمر خود را علیه جاهلیت فاشیسم هیتلر و ددیکتاچوری استالین و استعمار نظامی ارش سری فرانه برای اسارت مردم الجزائر و جلادیهای صهیونیسم در قتل عام مردم فلسطین، در مبارزه و خطر و فرار و آوارگی دور دنیا زیست و سالها باقدرت قلم و شخصیت علمی اش از آزادی مسلمانان الجزایر و فلسطین در برایر فرانه مسیحی و اسرائیل یهودی دفاع های مردانه کرده و جانش را بخطر انداخت، با اینکه در فرانه زندگی می کرد و نژادش یهودی بود، از مرجع عالیقدر تقليید شیعه حضرت آیت الله العظمی میلانی که تاکمون هر چه فتواده است در راه تفرقه مسلمین بوده یا کوییدن حرکتی در میان مسلمین و یک سطر در تمام عمرش علیه بیست و پنج سال جنایت صهیونیسم و هفت سال قتل عام فرانه و صد سال استعمار و صد ها سال استبداد فتوشته و ولایت برایش مقام نام و دکان نان و چماق دست بوده است، بمراتب به تشیع نزدیکتر است.

(بامخاطبای آشنا عطفه ۱۳)

این هم یکی از صدھا اعلامیه‌های حضرت آیت الله العظمی نائب الامام
مرحوم سید محمد هادی الحسینی المیلانی

در پانزده خرداد

شماره قبس ۹۳
۴۲۳۶۰

هئن تلگراف حضرت آیت الله العظمی آفای میلانی

بحضرت حجۃ الاسلام والمسالمین آیت الله العظمی آفای حاج روح الله
حسینی و آیت الله قمی و آیت الله محلاتی دامت بر کاتبهم

طهران، زندان حضرات حجۃ اسلام و مسلمین آیت الله آفای حسینی، رونوشت
حضرت آیت الله آنای قمی رونوشت حضوت آیت الله آقا شیخ بهاء الدین محلاتی دامت بر کاتبهم
بازداشت حضرت عالی ویقیه ایات و حجۃ و مبالغین و اساتید دانشگاه و سایر اشخاص محترم
و ایمان در ایام عنادی حسینی علیہ الصلوٰت والسلام بجرائم اظهار حق و امر بمعرف و نهى از
منکر بسیار موجب تأثیر است، البته تأسی بحضرت سید الشهداء نموده اید که
جرم آن بزرگوارهای بود، ایکاش اولیاء امور از واقعه کربلا عبرت گرفته و دست
بچینین عملی تغیر دند گرچه با این پیش آمد علت دین و آئین جلوه گردید و مردم دنیا
فیمیدند آزادی در این مملکت نیست و اختناق مردم بجامی رسیده است که بزرگان کشود و
رجال مذهب که از خود گذشته و دانسته های خود را بردم میرسانند تا جلوگیری از مفاسد
اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی نمایند و مردم را از بدین تبعیت نیحات دهند دستگیر و زندانی
شوند، بسی جای شکفت است علماء و دانشمندان در سایر ممالک حائز اهمیت و احترام
باشند و در این گوشه زندان بسی برند، الى الله المشتکی خواستم طهران آیم و از نزدیک
پشتیبانی وهم آهنگی خود را اعلام کنم و یکویم آنچه شما گفته اید گفته همه روحانیین بلکه
گفته اولیاء خدا و آنچه اظهار علیهم السلام است هوا پیما دا از بین راه بر گردانیدند اگر کون
در همین زندان خانه بخاره جوئی پرداخته ام و در راه استخلاص آفایان باعده قوا بمحول
وقوه الهی میکوشم و تا وسیله آسایش ورفع گرفتاری آفایان نشود و اولیاء امور از تصمیم
شیر مشرع خود دست برند از این مسکن ایمان کشیده با کشتن حوانان غور با ایمان کشور را بدست دشمنان
اراد تمندی عمل نمایند و باری و پشتیبانی کنند وهم آهنگی خود را اظهار بدارند تا با آناید
خداآوندی قرآن و دین و آین از مخاطرات مصون گردد گویا اولیاء امور میخواهند این
مملکت جمهوری را بخناک و خون کشیده با کشتن حوانان غور با ایمان کشور را بدست دشمنان
اسلام و قرآن بسیارند ولا تجیبن الله غاذلا عما یعمل القالموں امید است بین حمایت حضرت
ولی عصر او راحنا فداء مورد عنایت کامله الهی باشد و با منزید عزت و احترام مقتضی المرام از
این گرفتاری مستخلص و مشمول کلمه مبارکه انهم لهم المنصوروں گردید والسلام
علیکم چبیعاً

سید محمد هادی الحسینی المیلانی

نظر علی شریعتی راجع به موسیقی

((و موسیقی : سمعونی های کلاسیک بزرگ مکتب دار ، سونات های کاستون دوفین که با اندازه سقوط دوستش دارم
واز او - نه که چیزهای تازه فهمیده باشم - نه ((فهمیدن)) های تازه آموخته ام (کور صفحه - ۹۱)
و همچنین در صفحه ۱۲۴ دفترچه چه باید کرد . موسیقی را از هنرهای اسلامی میداند)

از حضرت آیة الله العظمی نائب الامام خمینی سوال شده چه نوع موسیقی در اسلام حرام است ؟

لَا أَبِيحُ زَرْعَ مُوسِيقٍ دِرَاسَلَامٍ حَرَامٌ إِسْلَامٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُوسِيقٍ مُطْلَقٍ حَرَامٌ إِسْلَامٌ

این کوچکترین نتیجه افکار علی شریعتی در کتابهایش در حسینیه ارشاد غیر از نتیجه هایی که از افکار ایشان درگروه فرقان دیدیم که خودشان در دادگاه اعتراف کردند دکتر علی شریعتی پسما آموخته تآخوندها را تزویر کنیم

۱۹ ۱۹

مجله جوانان : شماره ۶۴۴ سال ۱۳۴۱
دوشنبه ۱۴ خداداد ۱۳۵۸



گروه کرحسینیه ارشاد، ارکستر همه جا حاضر

بعنی در گردید برس موسیقی و اینکه موسیقی را بدین پیش مغرب و سازنده تقسیم کنند و به موسیقی سازنده کوشش هدند همزمان با این تعبیر و بازگشایی حسینیه ارشاد گروه کرحسینیه بکار برداشت و پندتی مورده استقبال واقع شد که اینکه هرجا مراسی هست از این گروه دعوت میشود که برنامه هایی اجرا کند و اینروزها در اکثر مراسم سخنرانی و جشن و تحلیل های موسیقی حسینیه ارشاد حضور دارد و برنامه های متعددی اجرا میکند

در گذشته، بعضی از منهیون با موسیقی، بطور کلی و درست مخالف بودند و در اینجا مخالفت نیز تعصی خاصی شان میدانند تا آنجا که حتی از خریدن و بین رادیو و تلویزیون بخانه هایشان هم خودداری میکردند با لوح کبری مبارزات ملت و سپس پیروزی انتقام، سپاری از این طبقه، رادیو و تلویزیون خریدند و بخانه بینند و برای تولین بار در عمرشان حدایی موسیقی د منزل خودشان بگوش آنها خورد

تحمیر اوضاع در ایران سبب شدین این گروه

چشم همه روشن !

این هم امر حضرت آیت‌الله‌سعی نائب‌الامام خمینی در دیدار باگروه اجر اکننده رادیو

رادیو و تلویزیون باید به جوانها نیر و بدهد

موسیقی از رادیو و تلویزیون باید حذف شود
واز جمله چیزهای که باز مغز جوانهای مارا تخدیر میکند، موسیقی است
موسیقی سبب میشود که اگر مغز انسان چند وقتی به موسیقی گوش کند تبدیل به هر شیوه‌حال و غیر
جذب میشود و انسان را از جدیت بیرون میکند اینها همه برای این بود که ملت را از عقد رابودسان شکاف کند
و آنها را از مسائل روزمنحرف کنند که مبادا مراحتان بشوند این بات برق نامه‌فصلی بوده است. هایسته اس
مسائل اتفاق واقع شده، نخیر، اینها طرح‌هایی است که آنها طراحی کرده‌اند تا جوانان را به تیاهی بکشانند. در زاده
برای این به مردم فشار بیاورند تا مردم نتوانند آزاد فکر کنند.

اینها همه برای این بود که جوانان را از مسیر انسانی منحرف کنند.

موسیقی از اموری است که البته هر کس بر حسب طبع خوش و نیز آید لیکن انسان را از جدیت بیرون
می‌برد و به ایک موجود هرzel و بیهووده می‌کشاند.

جوانی که اکثر او قاتش را پایی موسیقی صرف میکند از مسائل زندگی و از مسائل جدی بکای شکاف مسخر
و عادت میکند.

موسیقی فکر انسان را طوری میکند که دیگر نتواند در غیر محیط موسیقی و شیوه‌ات و اموری که بر زبان
به موسیقی است فکر بکند

نباید دستگاه رادیو و تلویزیون حذف کنند که موسیقی بخش کند و جوانهای نسی و نسی
را از نیر و مندیشان برگرداند موسیقی با تریاک فرقی ندارد

تریاک یکجور بی حالی و بی حسی می‌آورد و موسیقی هم همین طور، اگر شما میخواهید مملکت شما
مستقل باشد از این بعد باید رادیو و تلویزیون را تبدیل کنید به ایک رادیو و تلویزیون آموزنده.
موسیقی را حذف کنید. از اینکه بشما بگویند کهنه پرس شدید نترسید، باشد هم کهنه پرسیدم. اینها نئنه
است برای اینکه شما هارا از کار جدی عقب بیزند، ایسکه میتوانید اگر موسیقی در رادیو نباشد آنها مرد و زن
جای دیگر موسیقی را میگیرند.

این عندر نیست، آیا حالا اگر از جای دیگر میگیرند ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟

ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟
موسیقی خیانت است به مملکت خیانت است به جوانهای ما، این موسیقی را بکلی حذف کنید و چیزی نگذارید
که آموزنده باشد.

کم کم مردم و جوانها را به مسائل آموزنده عادت بدھید و از آن عادت خبیثی که داشتند برگردانند.

گرچه پس از انتشار این آدم، گرداندگان
مکتب و هایات، دست و پاهای زده؛ و
خر عبلا تی منتشر نمودند؛ ولی جز بی.
آبروئی پیشتر طرفی فبسته، و بهره
دیگری نبردند



نامهای در حرم چهارده شده
سه خلیفه که پشت جلد شریعت
ارشداد. پایین آرم زنگیت داده
شده است! "مجموعاً: یک
اباکبر. یک عمر. و دو
عثمان است که در قطعه سخوان نبد
كلمات کامل مشخص شده است.

آقای علی شریعتی با کتابهای
که باین آرم مصدر راست
حق دارد متون منقولات
خود را از منقولات بنی مغز
عامه پژوهده. و باسas
تشیع و علماء شیعه
بتازد

بسمه تعالیٰ

امواج تاریک فتنه، از هر سو پیر و ان مکتب اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را آنده دید می‌کند و دستهای خونین جفاکاران، و معاذین، از آستینین بادر آمده و قلوب محبتین و مخلصین را جریحه دار می‌نماید، و سرگان خون آشام با چهره توپیرو و دیگر عقائد نو نهالان ساده لوح حمله ورشده، و مصممند ذخائر تشیع را بسود استعمار، یکجا بقارت ببرند!

بدیهی است که سکوت در برابر این دوقات مزدور، نوعی خیانت به مکتب تشیع است، لهذا جمعی از علماء ارزند، و مدافعان حقوق حقه اهل بیت (علیهم السلام) بحکم وظیفه بیان خاسته و از طریق بیان و قلم، نقشه‌های شومشان را نقش برآب نموده، و خیانتهایشان را بر ملاساخته، و بیان افکار پلیدشان را در هم کوبیده‌اند.

ما بعموم طبقات و قشرها توصیه می‌کنیم که کتابهای زیر را از گتابفروشی‌های معتبر تهیه نمایند. تا بر اغراض اینان واقف گردیده و بر مقاصد شومشان آگاه شده و جامعه را از این دیو سرگان بر حذردارند.

- ۱ - کشف اسرار - نائب الامام خمینی
 - ۲ - تشیع یا مکتب نهائی انسانها
 - ۳ - اسلام‌شناسی در ترازوی علم و عقل
 - ۴ - بررسی و نقد
 - ۵ - غوغای نافرجام
 - ۶ - پدر مادر پوزش می‌طلبیم
 - ۷ - فبرد با شایعه سازی
 - ۸ - اصول تشیع
 - ۹ - سخنی چند باعثی شریعتی
 - ۱۰ - دکتر چه می‌گوید جلد اول
 - ۱۱ - « « دوم
 - ۱۲ - « « سوم
 - ۱۳ - خردداوری گند
 - ۱۴ - غرائب معلم قابل در طول تاریخ
 - ۱۵ - هجرت و مهاجران
 - ۱۶ - دفاع از اسلام و روحا نیت ۲ جلد
 - ۱۷ - اشک و خون
- ۱۸ - پاسخی به نامه استاد ۲ جلد
 - ۱۹ - وسوس خناس
 - ۲۰ - شفاعت
 - ۲۱ - روحا نیت
 - ۲۲ - هرج و مر ج
 - ۲۳ - اسلام و انسان معاصر
 - ۲۴ - چراغی‌ای کوچک راهنمای
 - ۲۵ - پیروزش یافته منجلاب
 - ۲۶ - عقده دار از روحا نیت شیعه
 - ۲۷ - تناقض آبرویی
 - ۲۸ - قضایت مجتهدان
 - ۲۹ - ستایشگر هارکیم
 - ۳۰ - اجتهاد ویرانگر
 - ۳۱ - حسینیه ارشاد
 - ۳۲ - التعریب بعد الهجره
 - ۳۳ - افسانگری (در مورد یک جاسوس انتگلیسی در بلاد اسلامی) (مستر همفر)
 - ۳۴ - امامت در اسلام

مزدوران مکتب منفور و هابیت، و غرب زدگان مأمور باید بدانند عظاهم و هم‌تر عکتب مقدس تشیع، و نورانیت اسلام راستین قرآن عظیم را بجهة خاموش نمی‌گوید، و تلاش مذبور حانه آنان برای گندان بنیان عقائد مستدل شیعی، به سود استعمار و حبشهی نیسم نقش برآبست، و تبلیغات سوت خود را در هر قالبی درآورند وهمه بوقتها و کر فاهمه ای که در اختیار خود بگیرند، برایر منطق کوینده هزار باتان شیع همانند جوجه ضعیف در آب افتداده ای هستند که باید بخو: بارزند تا جان دهند این رسوايان، چون از عیده مقابله عاقلانه، و عالمانه بر نمی آیند لب به ناسرا، و تهمت گشوده، و از هنگامی قلمی نیز در بیغ ندارند. ولی باید بدانند که از این تجارت نیز بهره ای نبرده، و همچون زید دوران گو تاه خود نهائیشان سیری شده، و جز رسوالی، و بی آبرویی طرفی نخواهند بست. (نقل از کتاب: شفاعت)

حضر مبارک حضرت آیت الله العطیه آنای عینی دلله تعالی
محترما بعرض میگردند. بطوریکه خاطر مبارک مستحضر است امیرا حلات نا روانی بدین خدش اسلام مخصوصاً به طبقه
حده مذهب تشیع که در اسلام است از ناحیه کوئیستها و پیروان مکتب مارکس و منحرفین از خام و لایت امیرالمؤمنین
(ع)، واولاد معموسین آسیزگوار علیهم السلام و سبیت با حکام دین خدش اسلام و توهین نظام شام و روحانیت از
نواسخ مختلف میگردد و متناسبه عده از اینان خود را راسته پیغمبر تعالی معرفی نموده و جزء هواداران انجمن
هدانند منش است نظر مبارک خود را در باره این موضوعات و اینگونه افراد با کمال صراحت مذکوم فرموده نا رفع
هرگونه ابهام و سؤ نظاهی نشود

سمه تعالی

ایجاد گرایان نظر خود را در این تحویل هنرات گفته نیسته ام بعد پیغام رس آید که دسته جانی که در ایران
اشغال بفعالیت های ضد اسلام و ضد مذهب دارد با اختلاف اسم و روش گروه های سیاسی باشند که با دست
اجاب برای تضعیف اسلام و مذهب خدش تشیع و نظام علیم روحانیت وجود آند باشند برای اصراف ملت از
حال روز این جمعیت ها در یک امر مشترک هستند و آن خیانت به کشور اسلام و کوییدن پاسداران آن و چون
دشمن اسلام و نازنگان ملل ضعیف صالح خود را باندید روحانیت که پکانه حافظ قرآن کریم و احکام حجایخت اسلام
است در خطر می گذند ناچار برای حفظ صالح استثماری خود دست به ایجاد احزاب انحرافی واسه و گروه های
مظاہر سنتی به اسلام و در حقیقت مخالف با آن زداء اند. اسلام و مذهب خدش جعفری سدی است در طایسل
اجاب و عمال دست شانده آنها چه راست و چه جن و روحانیت که حافظ آن است سدی است که با وجود آن
اجاب نیتواند بمحروم که دلخواه آنها است با کشورهای اسلام و خصوص با ایران رفتار کند لهذا قریب است
که با نزدگی های مختلف برای شکست این سد غنیم کشند گاهی از راه مسافت کردن عمال خیت خود بر کشورهای
اسلامی و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و تزییج بایت و بیهانیت و وسایل و گاهی از طرق احزاب انحرافی این
که مکتب س اسان مارکس با شکست مواجه است و یعنی یاکن آن بر ملا شده است عال اجابت که خود بروزه دنی
آن هستند در ایران از آن تزییج میگذرد برای شکست وحدت اسلام و کوییدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد
تریبیت اهل بیت حضرت و طهارت است و بازندگی بودن این مکتب بزرگ هرگز اجابت غارنگر به آن زید فیض اسانی خود
نمیگردد تاکنیر هستند مذهب خدش تشیع و روحانیت را که پاسداران آن است به هر وسیله تضعیف کنند و بگشند
الذویه اتساب بعضی از این منحرفین را به این جاب نیز از همین قیاس است من میخواهم میکنم که از این
دسته جان خان چه کوئیست و چه مارکیست و چه منحرف از مذهب تشیع و از مکتب خدش اهل بیت حضرت
علیهم الصلوة والسلام به هر اسم و رسیع باشند متفرق و بجز از آنها را خان به ملکت و اسلام و مذهب میدانم
بدخواهان و منحرفین بدانند با این دروغها و حبله ها نیتوانند بین روحانیون خلاف ایجاد کنند کاپیکدو روحانیون
منصب هستند و از اسلام و مذهب دفاع میکنند لازم است از این دسته جان مقدمه جویی کند و از خام شام
روحانیت دفاع کند و از تفرق و اختلاف احتزار کند و با هشتگری نیزگرای اجابت را خشن کند ، از روحانیون
عظم الشأن تعاضدا دارم که با طبقات جوان به جسم عقوبات و بدري نظر کنند و بر طبقات جوان است که در حضی
روحانیت و روحانیون معظم کوشا باشند .

و اخیراً لازم است تذکر دهن که نویسندهان و نویسنگان محترم از تأویل و تفسیر قرآن کریم و احکام اسلام با آرا خسود
 جدا جود داری کند و از جمیع طبقات ایدهم الله تعالیٰ تماشا دارم که با حفظ وحدت کلمه راه را بر دشمنان اسلام
که دشمن پیشریت هستند بروزند و از خداوند تعالیٰ جلس عظمت خواستاری که تطلع ریشه اجابت و عمال غبیث آیان
را از مالک اسلام و از گزیر اهل بیت غرماید اه ولی از مر سلام من بر روحانیون عظم الشأن و بر طبقات مؤمنین
ایدهم الله تعالیٰ

بسم تعالیٰ شاه

محمد بارس سرچی عالیه داشتند و مکرر و مجدد، استبرکه
با انتقام سلام استه عامله و نیل و فخر فوج و مرفق از کنایه اگر در بخشی
دشنه که غلات زیر روح سده باشد خوب و دشنه که جهاد خوب است دشنه
امروز خود از میزوه و مخزن خاتم پیغمبر ام نی خواهد بود آنچه آنها لذت از این
را از آنها برداشت.

سند مطالب شُئول شده :	
۱- اسلام شناسی چاپ طوس	
صفحة ۶۹ سطر ۱۰	
۲- اسلام شناسی چاپ طوس	
صفحة ۱۵۰۸ از سطر ۱۲ تا ۱۵	
۳- اسلام شناسی چاپ طوس	
صفحة ۳۸ سطر ۲۰	
۴- اسلام شناسی چاپ طوس	
صفحة ۴۶۲ از سطر ۱۳ به بعد	
۵- اسلام شناسی چاپ طوس	
صفحة ۴۳۶ از سطر ۲۰ به بعد	
۶- چه باید کرد صفحه ۱۲۴	
از سطر ۱۳ به بعد	
۷- اسلام شناسی چاپ طوس	
صفحة ۴۲۵ سطر ۱۱	
۸- مسئولیت شیعه بودن در	
صفحة ۲۱ سطر ۱۹ و درجات	
جدید صفحه ۲۲	

بسم تعالیٰ مطالب مذکوره باطل است و هر کسی
که مشتمل بر این کوئه اموری که موجب گمراحتی و
ضلال است باشد خوب و فروشن و نگهداری آن
جائیست و اللہ العالم الحوئی ۲۲ ربیع اول ۱۴۰۰



دلتون کار و میرزا شفیعی، گلستان احمدی، ۱۴۰۰

بسم تعالیٰ مطالب مذکوره باطل است و هر کسی

که مشتمل بر این کوئه اموری و روحیت گرا و ضلال است باشد خوب و فروشن و نگهداری

و فروشن و نگهداری از این حالت بسته باشد

الله يهمك رفيف سنتي ١٤٢٠/٥/٥ وهر كديه الله
اهم دا هندر بنت بنت هرود لغشانج بنت هاشم شاهزاده
دست عرض هرود هرود هاشم داده هاشم داده هاشم
و عن اخوازه اخ خطف و در طرف هرود اپنے هرود طرف هرود
در سی پریمیون پر نیکت بند فرمیه قدر عالم بیندیش کرد

٢٣ / جل / ٩٤

بسمه تعالى شأنه
السلام عليكم مرقوم شريف مورخ
١٢ / ٣ / ٥٣ وابل گردید ،

آنجه آنایان اهل علم و منبر
نسبت به شخص معهود گفته –
اند صحیح است خداوند
متعال بیرکات وجود مقدس
حضرت ولی عصر آرواحنا فداء
عمرم برادران ایمانی را از
گمراحت و فتن آخر الزمان حفظ
ود رطريقه حقه اهل بیت
عصمت و طهارت صلوات الله
وسلامه عليهم اجمعین هدایت
وتابت بدارد انشاء الله تعالى
ملتمن دعایم .

سید محمد هادی الحسینی المیلانی

حضرت آبیت الله العظیم جناب آنامی سید عمار میلانی ذات بنایه و بجزء از
پس از نذر (روض سلام در امام فرست) و مطلع عصر سارک آن سرور عالی مفتخر را به خدمت مثال مسلک دارد

از قرآن فرشوده باید داد جمله کبک بگند. برقرار مثیر تول جنابمال را مبنی بر تحریر کتابهای ایشان در یک حسنه ارشاد نسبت بر ترتیب اضلال است. بنداش آنای شیخ محمد کلامی و دکتر روحی احمدی را نام داد و مصطفی بن امدادی شیخ محمد حسن بیان کرد از شاعران جنابمال است. همچنان که بیان کردند جنابمال قرآن مسما برای این ایشان است. ایشان! بیان کردند [الله: میر]. ایشان را میگویند و بنده موضع را اکار گستاخ دیگر نمیگویند و بحسره استاده از نام حضرت آیت الله میلانی است. از جمله ایشان گذشت آنها نزد اکابرین حجازی است که در قرن ایشان گفتم چرا دنای عالم مکفر شریعتی میگذرد و حال آنکه حضرت آیت الله میلانی ایشان را در کردستان با تعجب گفت این درست است و افزود که نسبتاً حضرت آیت الله میلانی چنین متواتی فخر سودان است بلکه چنین بر تربه نامه برای ایشان از زمانی فرستاد انفر ... حال سانید ایشان آنایان میرزا را است میگویند یا ایشان میگذرد آیشان، و متأسفانه در این اختلاف دلیل شدید است لایه بنده و دوی اینجمن کار شیخ استند مادام نظر چادر آیت الله را مجمع به دکتر علی شریعتی مردمت بزم پیشکاری مژده نکت باشد راث الله در فتح اختلاف مؤثر دائم شود.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

لسان العرب

محاجه مقدس آیت الله العظیم جناب آنای سبلانی دام ظله
پس از عرضی سلام. سلامتی شمارا از خداوند متعال خواهانم
حمدی قبول زاده ای ای مسال نوردن و نظر مبارکان را
لست رفتن بحسنه اهادیت و مطالعه نشریات
آن مسائل کردند بودند حوا هشتمیدم نظر مبارکان را بخواهند
قائمه و معاونندی
دعا تویی شنای

میں لے

اگر دلکشیم صحت و معاذن و بود و تمدن را در هشتم مرقم منیخ ۲۰/۵/۱
جای خالی دهید گردید بآن لامن است از زمان آن بان مفتر و غوامندن کنایه ای از خود دید
نمایند اینه است که کوای دادن باید عالمی فیض و دهد بیر عوق و دیگر شاهد و از داشت
بر جدیت هفت صداق صد هشتاد و دیگر هفتاد نیمه و دیگر صد و دیگر هشتاد نیمه
پا زدن هزاره هم سی هزار کسری سی هزار

حضرت کیم احمد علامه حجت‌اللہ محمد حبیب صاحب احمد

بکسر کیم سدیم معتبر و تحریر بہ عرض سکای ذخیرت میرزا خیرا
در تصریفات سایع رواده کیم نمود باشد حضرت عالم زنسته ایم مسیح شریعتی
را تائید مرده و حرب موده کیم کوچکتر است این رای در آن دیده نموده
دسته عارکرم بدله رفیع و سده ببرایها رسالت شدت حماقی و عالم
عمران از خذارت زنسته ایم مرقوم بغایتی .

بسم الله الرحمن الرحيم

لین جانب زنسته ای دکتر زیرینی را هرگز تصویق نکرده و محسن بنجی
با حدیث مخفته کیم نوع مطلب دیش ن انتبه و طبع سودارک دین
اسلامی سفرقا میل قبول میباشد محمد حسین طباطبائی

بسم الله تعالى

این جانب نوشته های دکتر زیرینی را هرگز تصویق نکرده و جنبش
سخنی باحدی نگفته ام و نوع مطالب اینسان انتباه و طبق مدارک
دینی اسلام غیر قابل قبول میباشد محمد حسین طباطبائی

پرسنی

سلام علیکم ، این در میان عده داشت داشت

مشهد کریم داشت که در آن پندتی سایه

مشهد بسی دیده بود که با خود رین داشت و قابل توجه نبود

، آنند و میتوانند میگردند : وقتی مخواستند خذ و بست

در هر یک کتاب را که در آن صدیقی کامیغی داشت (در چون کتابی

و زمانه بغير علم) و از غیر راید (جمهور زبانه و میان و بجهة

زنجیر) معتقده داشتند که همان دستور میگردند

و میگردند خذ و بسته و زمانه خیلی کوچک و احمد حقیقتی داشت

که را اینقدر کمال داشت و همچنان در آن که به زدن کل کوچک

میگشتند در آن که بر سرکشند دار و چفت شکریچه خود میگردند

و این دنی میگیرند من مرد دارد و همچنان که در زمانه و در

عی کوشتم در حکم داشت داشت زیب بود در حکم داشت که

آن که همچنان میگیرند از کافر و میگزند که از کافر و میگزند

و این دنی زنگی داشت داشت داشت داشت داشت داشت داشت

محمد حسین طباطبائی

سمعه تعالی

السلام علیکم ما با دکتر شریعتی عداوت
ذاتی نداریم سئله این است که در لابای
تألیفاتشان مطالعی دیده میشو که با موافقین
اسلامی قابل توجیه نیست مانند اینکه میگویند
انسان خوبشاوند خدا است در حالیکه قرآن
کریم صریح این فرماید : (و خرقواه بنین و بنات
بغیر علم)^۱ و میفرماید : (و جعلوا بینه و بین
الجنة نسبا)^۲ عقیده ایست از عقاید بت -
پرستان و میگویند خدا از طبیعت و انسان یک
واحد حقیقی است که رهسیار کمال است و
صریحا در کتاب زادگاه من^۳ معادر اناکار
میگند و در صفحه معراج خود میگویند استادان
میسیحی من مرا وارد بهشت کردند و در بهشت
میگشتم در حالیکه دستم در دست آنها بود در
صورتیکه قرآن صریحا میسیحی را کافر میداند و
میفرماید کافر اهل بهشت نمیشود و نظائر این
اشتباهات که زیاد هم هست . والسلام علیکم
محمد حسین طباطبائی

۱- سوره انعام آیه ۱۰۰ ، ۲- سوره الصافات

۱۵۸ آیه

۳- زادگاه من - کویر

സാഹിത്യ സംബന്ധികൾ

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

مِنْ

کاغذ

三

اینها که به دنباله (تئیح عذر) و تئیح صفره) - (مسئلیت مسیمه بردن) - (بیزد) نهاده. نامشیم) - (اسلام‌دانس) بقلم آهنگی (علی‌سرعتی) و سینه (حسینیه نهاده. هسته رهی دست و پیغامبر مطلب بیاری برخلاف نهایت مقدس شیخ و حسن فخر هاچیت سیخ اکرم صیاد الله علیہ السلام و مسیحیت امیر الامر علیم (سلام) و هسته زاده مقدس دین در این کتاب به مجرد داشت. رینهایان اضافه کنند کا اتفاقاً داریم نظری خود را یعنی بیت کتبهای مرزبور و هم شرکت در مرزه نوی فرقه فرزنه تا تکمیف روند شود.

در طرف حدود سخن ای اسفند

کتب فرق الذکر از کتب فضلک مرشد و جائز نیست
حاله در حجت اینها از حجت دیگر ممکن نیست
بجز اینها را از زوایس و سیری و اوصیه و اطاعم مضره و لذت
مسخره خفظ ننماید خود را از طلاق بین عالمان میگذراند

بعنه تعالى
كتب نوى الذكر اركتب خلال می باشد وجائز
نیست مطالعه و مراجعة، یانها از ساحت قدس
الهی سئلت می نمایم جوانها را از شر و سوس
و شبهات واهیه و اثلام ضرره و کتب مسمومه حفظ
خواید به محمد و آل الطاهرین
شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

بسم الله الرحمن الرحيم .

حضرت بندگان حجج اند سه دلیلی دین الله پنهان را جای عالم حسن طبل بندگان داشت

این بندگان امضا کنند که از نظر ما که حضرت اذن را نهاده است و زار زیر زمین را
لغز و لذید و کسب و بزرگان یکی هست که طبیعت را امضا کرده ایم که به دو را
بندگان (امداد متناسب) - (تشیع عدوی و تشیع صدیق) - (بدر ابرار و مهتمم)
(مسئلیت شفیع عرب) - که حضرة فاطمه زاده و شاهزاده و مطلع بین
بر حضرة طریقت حقیقت مخفی می باشد هب دنیا تشیع، با خداوند ای خوبی که بعد از
نه جن مده است هد و کرد ای لذ بر آن شدم که از حضرت مقدس حضرت
آیت الله تقدیس کنیم که به رامطلاعه فرموده جنت روش رشته نیکیت
امضا کنند که از نظر ما رشته ای دین و برا اوران دین، نظر چشم حضرت ای
اعدام فرمائیه در خانه مردم آنکه ترا را خداوند مدل خواسته ایم .

بسم الله الرحمن الرحيم ده بحث

قسمتی از ریاضی که به سی ناشرزده ریاضی نعمت کو در
مرداده از آن بر خلاف داشت و حقیقت است بحسب
بر خلاف پس مذهب حقیقت تشیع دگرانه کشید و حجج
ضد است بحسب و لذیز بحسب تردید مردم ریاضی که
تشیع خود را نمایند و به بر قی ای صدیق
ای از نادری ۲۱ شعبان ۹۲



الله الرحمن الرحيم و الحمد لله
سلیمان الرشید و از عرض کتاب مای سای نامه و را
مطالعه
فیصلی از عرض کتاب مای سای نامه و را
مطالعه

حضرت کریم خان سلطان ب نامه جمیلی را رسیل کردند که پس از اینجا

نه مادر و پسر شاهزاده که جنگی است در (چهلیم) ایام آغاز شد

و رکابزینی (مشتری) شاهزاده خانه را بخشد نه هب سر

بیه دسته هم بمحض ایس و زنده خفت است زاده طرد و بعده

وقتی رازه ب نامه میل (رسانید) . (نیز میل روحیه)

(پدردار و میری) - (نامه نامه است) - (رسانید) بردن

(رسانید) که بعده از فوت دره به هشتمی است بد حضرت

برداشتن نهاد از هنر نمود که زیارت را فرموده

وزیر خود را بزینه که می خواسته باشد

رسانید

خرم و میرزا کریم تسلیمانی

کما همکار لطفعلی دهستانی کاریزی و میرزا علی

و آنچه بخوبی میرزا کریم که

بسه تعالی هر چند منی است که کمال داده و نادر در

سطاله کامل نیست ولی نظر بسطاله احوالی کتب مذکور

مطابق با مذهب تشیع نمی باشد و اکثار خانیت اکابر

ضروری دین اسلام است ابوالحسن الحسین الفرزی

لایه
لایه
لایه

د. سید علی‌محمد امیر حسین

حضرت آقا حسن عسکریه ب آنکه از علمی آنها پنج سید محمد حسن روز خداوند است
انقدر آنکه پهلوی در ترکان و سپاهی مردمیه (حسینیه ارشاد) مدرس هم نبوده است
که بر بودجه بزرگ آنها (حسینیه) ارت و در صفت ۷۷-۷۹-۹۶-۸۸-۱۲-۲۶-۲۳ (آن ب قسم علوه و قسم عصری) و
صفوف ۳۷۱ شعب خاتمه پیغمبران (رزگارت تاریخ) و صفو ۱۸ (جزءه مسئله است زینه بورن) و صفت ۴۴۵-۴۰۵-۶۹-۵۵۱-۴۴۱ (آن ب اسلام تنسی) مطابق برخلاف
نهضه مقدس آنچه وجہ است با همت علی، شیعه بنظر پرسیده
خواهشمند است لظیب رک خود را فنبت مطابق کن پای مرقوم
که نموده است از آنها در پالا ذکر شده بی پا توجه یکی به آن تقدیمی، و
امکینی نمیگشت در جو این سنترا غایم نموده باشد و از ذکر که فعلاً من نیز اینکه
مطابق همه قسمی است مرقوم فرمایم - سلامتی حضرت آقا علی
والله از خداوند متعال خواسته برم: بر

اراد اعیان محمد مسعود مین علیهم السلام کمال سلطنت
نشرت اخیر رسمیه فوق الذکر در سخن از اشاره نایبر زده در این امامت بر مدد حضرت کاظم و شاهزاده
دنیافت عکم شدید مراکز کوچه را بر این نسبت داشت و مت معاشران این اجرای اعلیه اذیقی آغاز و دستور داد

لار ذرت مصادفان دا فهی بعثت درون علیمه مصالح خالیه پرسه که مکافت بخت
هر چند تصور نمایور فرست داشت و بعد از این مغایری همچنان اطلاعاتی نهاده بخوبیه داشت علیه راه را نهاده بود و در
در از زده همچنان تصور نمایور داشت و بجهود عکار و افسوس رسیده که مقصود عذر برخیزد این امر را شفیع
کار و مادریه باشد که تبعیض و متسیبه نگیری داده بسیار بخوبیه داشت چون این ادحی نگایرد دوستیه این گونه آزاده این امر
خوف زده بشهبستی خود را از اتفاق اخراج از این سطل ایمن داشت و سخن منتهیه باز را که آن دارد
بله و در این موقوت با این قصدهای ایشان کوسته همچو را کشت در این بخش ایشان این خواسته ایم از در علاوه بر اینها
دین بخت که مردم ایشان را خسته و بیسان را واجه ایشان خود را بین خود نهاده که ایشان همچو کیم ایشان

卷之三

مختصر مبروك مقدمة آية الله العظمى بذاب أثاء

卷之三

الطبعة الأولى

مُحْمَّدٌ كَفِيلٌ لِلرَّبِّ مُعَصِّيَهُ عَلَى مُلْكِ الْأَرْضِ

بِالْحَمْدِ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

لِيَوْمِ الْحِسْنَىٰ وَلِيَوْمِ الْعِدَاءِ
لِيَوْمِ الْجُنُوبِ وَلِيَوْمِ الْأَوَّلِ
لِيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَوْمِ الْآتِيِّ
لِيَوْمِ الْمُهْرَبِ وَلِيَوْمِ الْمُهْرَبِ

حاج سین عہدالله شیرازی دام نظره العالی
پائیدر ۳۵ سالام مروی میلاد اخیراً میان شکران
انتشاراتی مادر موضع جلپ و نثر لوشن تجارت
علی شرعی که نشاید معروف حضور نبی پاشر
اختلاف نظر افتاده است تناقض است ۴۰ برای
روع اختلاف وکس ب تکلیف شرعی فطرستیغ
و مبارکان را مرقوم نرمائید تا موجب رفع
نشبه شود پهلوی که اینسان از معلمین آن
حضرت می باشیم ادام الہ یاریم درامت برکاتم

حكم الحمد لله رب العالمين

نوشته جات نامبرده مشتمل بر اباظلیل -
و مظیل برند است (۱)

دوهای این است و برای کسانیکه قدرت علمی

بچلے - پیش کیا جائے ہے ہر شرکیں عذ و شبن آنہا نہ اڑسے۔

— و عالم نیستند خرید و فروش و مطالعه —

على الحسيني الاصفهاني —
الحسيني انتى — على الحسيني الاصفهاني،

العلامة النانى



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر بارگاهیت از الله لعظیم رای حاج شیرازی کاظم لخوازمی رای
باقدم سده و کند عالمگرد تصریح بیرون را برپرورد مطالعه و خرید و فروش
نوشتهای علمی مشروعی مرقوم بفریاده.

لیسا

نشریات علی شرعاً چون خالی از اختلاف نیست و پایه از مطالب
آن مطالعت با اصول مذهب و دین مقدس اسلام ندارد
لذا خرید و فروش اینگونه کتب حرام و مطالعه آنها برای افراد یکده -
اطلاعات کافی ندارند جائز نیست أعاذنا اللہ من مصلفات



محضر بارگاه حضورت ایت الله العظمی آقا حاج افالتقی تبریز دام طلب العالی

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته بعد از عرض سلام خواهشداست

پرسش سوال ذهن جواب فرماید:

۱- آیا اراء و افکار در تعلیم شریعت عالمی اسلام را دریافته است؟

۲- آیا افکار او با مثبت اهلیت اسلام نمایست ام اسلام نمایست چنان دارد دیانته؟

۳- خرد و فروتن را بهای ایشان از لحاظ تئور های ایشان یا نه؟

خیل مکرر و بعوان مومنین

بسه لعا

۱- این جنب ناگردد و نیست سه و هیچ باید هم با او برخوردی نداشتم و از بخش دست داشت لز مذهبی خود را
نمی خوشتند زیرا دارد و معتقد ای دنیا نمی خوشتند بسته باید هم خوب دست داشت و از بخش دست داشت
باید با خود را زین دنی و فن را با آن و عده عملی دست در رص ۵۹ و سادم کشی داده مسکنی خوب است بیول اسلام
مرفت است و نیز دوام رسالت دست و قلم نهاده است در سادم و اضع دست در رص ۲۸ کشیده
به راره مانندیم نسبت به ناز و زرد و خیره سلطانی ذکر کرد که از زمان رمول خداوند تا مردم روز روایی
نگفته دست و اراده نخواهد خدف خود دست رسالت دست و سنج دن سلطانی باید که برای منصب به افراد داشت
۲- باری من جای نیزه و مردم نیست که خواردی از مطابق است بلای منصب به ادن برایت نام با مكتب خود
العمل نیست ۳- دارد و آنچه برخورس سوال اول ذکر شده تا آن درین سلطان است



۴- این سنج نو شد و کتاب که نخواهد نشود بالذکر شد فردی دعوی کتب ضلال دست که حکم داشت
نمی خواهد ذکر شده است و این به این خبر و فرزند ایشان داشت ای و سلطانی خود را نهاده نمی خواهد
در اسلام علیکم و رحمة الله و برکاته دار و صلیم با تقوی و کن میخواهیم که بجز مخوب و کن میخواهیم

۲۷

لهم إنا نسألك مطرداً عذاباً ألا ينزله علينا

لهم إني
أنت معلم
أنت نور
أنت مهدي
أنت معلم
أنت نور
أنت مهدي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

卷之三

بعد المجر والصلوة
عَلَى تِبْيَانِ مُحَمَّدٍ
وَجَنَاحَكَرْمَنْهُ
بِشَهْرِ شَرَعْتَ - ۵۱۷۵

لطفاً شکانه
مکنی بـ عالم از نهاد جهـ است که کـ ایـ اـ بـ عـ مـ لـ اـ مـ لـ اـ بـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لکه، بیان این ماده، نیز در اینجا مذکور شده است. و ممکن است این ماده را با این نام معرفت کرد.

اگر کسی در عالم نباید باشد، این کسی باشند که در عالم ایجاد نمایند.

میں کوئی اپنے سر اپنے لکھ کر کوئی سب سے سرکاری پورسٹ میں نہیں۔

گلستانهای خود را دریابد و هر یکی بمناسبت محل کار خود را بنامید.

و مکمل این موارد که در تدریسی پیشنهاد شده باشد، برای بررسی های این دستگاه مورد استفاده قرار می شود.

ویسیم و بیل یاریه با پدر در قند اهل سرگردانی می‌گردید، ای بی کوینانه راه استادان خود

وَهُوَ شَهِيدٌ لَّهُ وَهُوَ شَهِيدٌ بِنَفْلِيْهِ إِنَّمَا يَرَى
مَا يَرَى وَمَا يُنَزَّلُ عَلَيْهِ مِنْ كِتَابٍ فَإِنَّمَا
يَرَى مَا يَرَى وَمَا يُنَزَّلُ عَلَيْهِ مِنْ كِتَابٍ فَإِنَّمَا

فَهَذَا أَنَّا أَرْسَلْنَاكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ بِرُوحٍ مِنْ مُنْزَلِنَا فَإِنَّمَا يَرَى
مُؤْمِنٌ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَمَا يَنْهَا مُؤْمِنٌ فَإِنَّمَا يَنْهَا مُؤْمِنٌ

بسمه تعالیٰ هشدار

ملت مسلمان و قهرمان ایران که در سخت ترین و حساسترین برهه از زمان در مقابل توب و تانک و آتش و مسلسل دژخیمان پهلوی با فریاد الله اکبر و «یا حسین» مقاومت کرد و به عشق اسلام و مکتب عالیقدر تشیع فرزندان عزیزش را قربانی کرد ، حال ، هرگز اجازه نخواهد داد ، که نفاق افکنان و خائنین و روحانی نماهایی مانند «حسن لاھوتی» که در مقاله اش برای سالگرد شریعتی گفته «روحانیت مرتاجع بود که مخالفت با شریعتی را آغاز کرد میگوئیم که «روحانیت مرتاجع به چه کسانی می گوید» ملت متدين ایران خود ، آگاهی کافی و کامل دارند و میدانند که مراجع تقلید و علمای طراز اول شیعه بودند که کتب شریعتی را کتب ضاله و گمراه کننده معرفی کردند آیا بنظر اینان مراجع تقلید مرتاجع اند؟ مگر رهبر عظیم الشأن انقلاب نفرمودند «کسانیکه به علماء می گویند مرتاجع در واقع خط آمریکا را میروند» مگر امام عزیز نفرمودند «اگر کسی اهانتی به مرجعی کند بین او و خدای تبارک و تعالیٰ ولایت منقطع می شود . مگر امام نفرمودند «همین قشر و طبقه روحانیت بود که مردم را بیدار کرد» حالا دیگر ۹۵۵ نفر از ۱۰۰۰ نفر متأثر از افکار شریعتی بودند ؟

مگر محمد بخارائی و صادق امانی این فرزندان پاک اسلام نبودند که در مورد ترور حسنعلی منصور خائن گفتند «بخاطر اینکه این حلقوم به مرجع تقلید توهین کرد ، ما این حلقوم را با تیر شکافیم» !

حال مگر ، شریعتی نبود که اهانت به علماء و مراجع ما کرد ؟

مگر شریعتی نبود که گفت اسلام منها روحانیت؟ مگر شریعتی نبود که گفت اسلام فردا ، اسلام آخوند نخواهد بود ، اسلام مفاتیح نخواهد بود . مگر او نبود که اهانت به مجلسی ها ، خواجه نصیر طوسی ها ، و شیخ مفیدها و صدھا علمای شیعه کرد . مگر مکتب شریعتی نبود که گروه فرقان خائن را بوجود آورد که مطهری عزیز ما را کشتند و امام و ملت غیور ما را در سوک او نشاندند و گفتند «ما اورا کشیم چون مخالف شریعتی بود» . مگر شریعتی نبود که انکار خاتمیت کرد که از ضروریات دین است و مگر مکتب مسوم شریعتی نبود که جوانان پاک ما را مخالف با روحانیت و مقدسات دین کرد و صدھا قبیل از این انحرافات . پس اگر مراجع تقلید با او مخالفت کردند و میکنند چون خط و مکتب او منحرف است . در خاتمه از امام امت و رهبر عزیز انقلاب عذرخواهی کرده زیرا شما ای امام فرمودید «وحدت را حفظ کنید» ما و طرفداران مکتب تشیع و مراجع عظام در طول ۱۵ ماهه انقلاب مهربانی شدند برابر نهاده و سخنی نگفتیم ولی نفاق افکنان و مفسدہ جویان که در اغلب رسانه های گروهی و مطبوعات دست دارند جسورانه اهانت به مقام شامخ روحانیت و مقدسات دینی می نمایند .

درو د برحیمنی و درود بر مراجع عظام شیعه

مجاهدین تشیع - قداییان مهدی (ع) - گروه شیعیان - سازمان مکتب علی (ع)
طلاب مبارز تهران - جمعی از بازاریان تهران